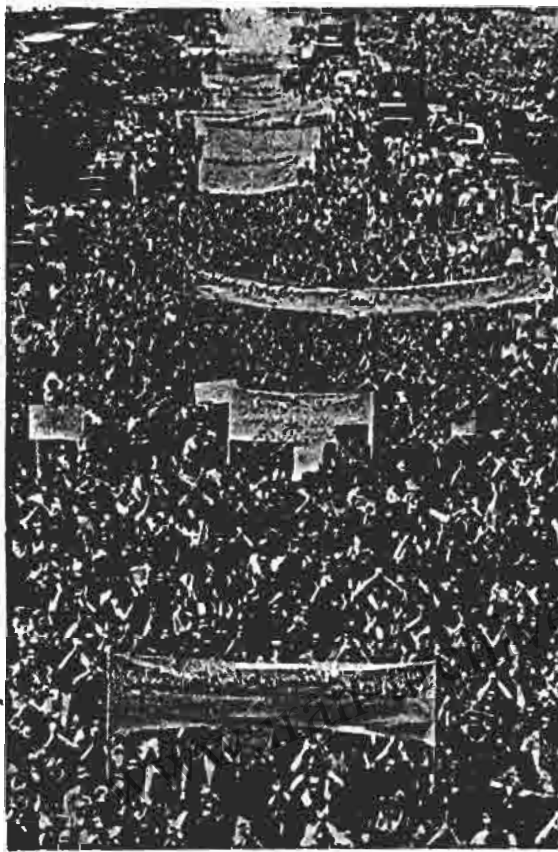


بدعوت شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه در تهران

صدها هزار تن از کارگران و هواداران طبقه کارگر در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند

روز یازده اردیبهشت (اول ماه مه) برای نخستین بار پس از ۲۰ سال ایران شاهد تظاهرات شکوهمند کارگران و هواداران طبقه کارگر بود. تظاهرات (۱) اردیبهشت بدون تردید در تاریخ مہین حادثه‌ای بی نظیر است. ملیونہاتن از کارگران زحمتکشان و هواداران آنها قدرت عظیم و تاریخ ساز خود را به نمایش گذاشتند. بی شک این نمایش قدرت، پشت امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آنرا لرزانده است.

در تهران به دعوت شورای هماهنگی برگزاری روز اول ماه مه صدهاتن از کارگران زحمتکشان و هواداران طبقه کارگر در تظاهرات عظیم شرکت جستند. بقیه در صفحه ۲



اتحاد، اتحاد، اتحاد، ای زحمتکشان اتحاد

تشکیل فوری شوراهای شهر و استان خواست مردم است

جنبش ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی مردم ایران که سرانجام باقیام شکوهمند ۲۱ بهمن سرنگونی سلطنت ۲۵۰۰ ساله انجام داده هدف اساسی رادیکال داشت: ایجاد وسط آزاد بی‌پاد مکرانی برای همه خلقهای ایران، قطع کامل نفوذ اقتصادی سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم و بهبود زندگی زحمتکشان.

مردم ایران که بیش از نیم قرن توسط حکومت‌های وابسته به امپریالیسم بقیه در صفحه ۲

قرور آیت الله مطهری را محکوم میکنیم

مانرور تاسف آور آیت الله مرتضی مطهری را مخالف با مصالح خلق و انقلاب تلقی کرده آنرا محکوم می‌کنیم. یک بار دیگر یاد آور می‌شویم در شرایط فعلی که امپریالیسم بین‌المللی و عوامل زخم خورده ارتجاع در کمین نشسته‌اند تا با دامن زدن به تشنجات موجود اساس پیروزیهای بدست آمده رادیکال ریزند، اقدامات تروریستی و آنتارشیستی عملاً بسود امپریالیسم و ارتجاع تمام می‌شود. معتقدیم تمام نیروهای ضد امپریالیست ملی، دمکراتیک و مترقی باید در یک فضای آزاد از طریق مسالمت آمیز خواسته‌ها و نیازهای خویش را مطرح ساخته همگام و همراه با هم در جهت تحقق آرمان‌های انقلابی خلق بکوشند. اینگونه اقدامات توطئه‌گرانه از جانب هرکس و با هر نیتی که انجام شود زیانش مستقیماً متوجه اساس آزادیهای بدست آمده خواهد بود.

نماینده وزارت کار بجای توجه به حقوق کارگران دستور داد: نمایند کارگران را زندانی کند

بدنبال مذاکراتی که کارگران شهرک اکباتان با کارفرمای این شرکت داشتند، سه شبه ۲۸ فروردین نماینده وزارت کار برای مذاکره درباره احقاق حقوق عقب افتاده کارگران به محل کمیته شهرک اکباتان حاضر شد و طی مذاکراتی که با نماینده کارگران انجام داد، بعضی رسیدگی به وضعیت کارگران بیکار این شرکت که ماههاست اخراج شده‌اند و هیچ پولی دریافت نکرده‌اند، همچون مامورین ساواک رژیم گذشته دست به تهدید و ارباب کارگران زده و به کارگران گفت:

شماها ضد انقلابی و اخلاک‌گرا هستید، بایستی "خفه خون" بگیرید.

مگر چه مدت از انقلاب مردم ایران گذشته است؟ واقعا چه اندازه وقاحت و بی شرمی می‌خواهد که با این صراحت کارگرانی را که قسمت عمده جنبش انقلابی ایران بردوش آنها بوده است، ضد انقلابی، اخلاک‌گرو... بنامیم و به این سادگی بخواهیم خفه شان کنیم. یک توجه مختصر به بخش کوتاهی از برخورد این نماینده مرتجع وزارت کار با نماینده کارگران نشان می‌دهد چه کسی ضد انقلابی است و چه کسی در کارها اخلاک می‌کند.

کارگران با اقدام انقلابی خود کنترل کارگاه را بدست گرفتند

کارگران مبارز شرکت متوساک که از ۲۵ روز تحمن و ۴ روز اعتصاب غذای خود هیچ نتیجه‌ای نگرفتند، وقتی با جواب سوالی مسئولین امر روبرو گردیدند به این نتیجه رسیدند که بایک عمل قاطعانه خودشان کنترل کارگاه را بدست بگیرند و "چرخهای" آنرا "بکار بیاندازند".

بقیه در صفحه ۱

سرمقاله

کشتار فکده راجه کسانی پدید آوردند؟

رویدادهای دردناک شیبرستان فکده که به قتل عام صدهاتن از هم میهنان ما انجامید، یکبار دیگر خلقهای ستمدیده میهن رادیکال و ماتم فروربرد. ماتم و اندوه مردم تنها به خاطر خواهران و برادرانی که بایک دنیا امید به آینده، قربانی منافع انحصار طلبان و خائنان به انقلاب شده‌اند نیست. مردم عمیقاً نگران سرنوشت انقلاب اند، انقلابی که روز به روز بیشتر در خطر نابودی قرار می‌گیرد.

مردم بانگرانی می‌پرسند، چه کسانی رویدادهای سنج، گنبد و نقده را پدید آوردند؟ چرا توطئه گران و عاملان کشتار مردم افشاء نمی‌شوند؟ چرا اادیو

تلویزیون اخبار و وقایع گنبد رادیکال جلوه می‌دهند؟ چرا سخنگوی دولت دروغ می‌گوید؟ چرا ایجاد فضای رعب و وحشت و افترا، از بازگو شدن حقایق جاسوگیری می‌شود؟ چرا اجنایکتاران و توطئه گرانی که برای ایجاد خفقان و نابودی استقلال و آزادی، در گوشه و کنار میهن به تهدید، شایعه پراکنی و تحریک مردم بر علیه هم، دست می‌زنند نباید شناخته شوند؟

مردم می‌خواهند بدانند چه کسانی زیر پوشش کمیته هابه قتل و غارت مردم فکده برخاستند؟ چه جنایتگرانی به جان و مال و ناموس مردم ستمدیده فکده تجاوز کردند؟ چه کسانی مردم بی سلاح فکده را کنار دیوارها تیرباران کردند؟ چه کسانی کودکان شیرخوار و زنان باردار را تکه تکه کردند؟ عناصر مزدور "قیاده موقت" با کمیته‌ها چه ارتباطی دارند و چرا ارتش به جای حفظ بیطرفی و برقرار کردن آتش بس به حمایت از کمیته ارومیه و عناصر ملاحسنی که در ایجاد فاجعه فکده دخالت مستقیم داشته‌اند، برخاسته و در کشتار مردم شرکت کرده است؟ آیا بهرمان از این فحایح خبردارند؟ اگر خبردارند چه تدبیری برای دستگیری و مجازات عاملان این فحایح اندیشیده‌اند؟

مسلم است که عوامل ساواک، سیا و سرمایه‌داران کارکشته وابسته به امپریالیسم در کمیته‌ها و دستگاههای دولتی نفوذ کرده‌اند و از آنجا قلب آزادی و استقلال قلب انقلاب خلقهای ستمدیده ایران را نشانه می‌روند.

اگر پرسشهای مردمی که سخت نگران سرنوشت انقلاب اند، بی جواب بماند، اگر توطئه گران و فرماندهانی که دستور قتل عام زحمتکشان را صادر می‌کنند، معرفی، محاکمه و مجازات نشوند، اگر چهره‌های شناخته شده و ناشناخته ای که در کمیته‌ها و در دولت رخنه کرده و هر روز ضربه تازه‌ای بر پیکر انقلاب می‌زنند، هر چه زودتر از قدرت طرد نشوند، مسلم بدانیم که وحدت اقشار و طبقات مردم و وحدت این فحایح اندیشیده‌اند؟

روستائیان:

دولت حامی اربابان است، یاد هقانان؟

دهقانان مبارز ایران همگام با دیگر روستائیان در مبارزات و قیام تاریخ ساز خود رژیم سلطنتی وابسته به غارتگران خارجی را به گور سپردند. دهقانان همچون سایر زحمتکشان انتظار داشتند با سرنگونی رژیم به خواسته‌های آنها جوابی انقلابی و عاجل داده شود. ولی پاسخ دولت موقت به این خواسته انقلابی چه بود؟ دولت همزحمتکشان و عوامل مزدورشان هم صبر خواهند کرد؟ خود به این سئوالات پاسخی نمی‌دهند. ولی در عمل پاسخ‌های روشنی داده‌اند. و نتایج این پاسخها از زحمتکشان بایست و گوشت خود تجربه کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۶

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

تشکیل فوری شوراهای شهر و استان ...

بقیه از صفحه ۱

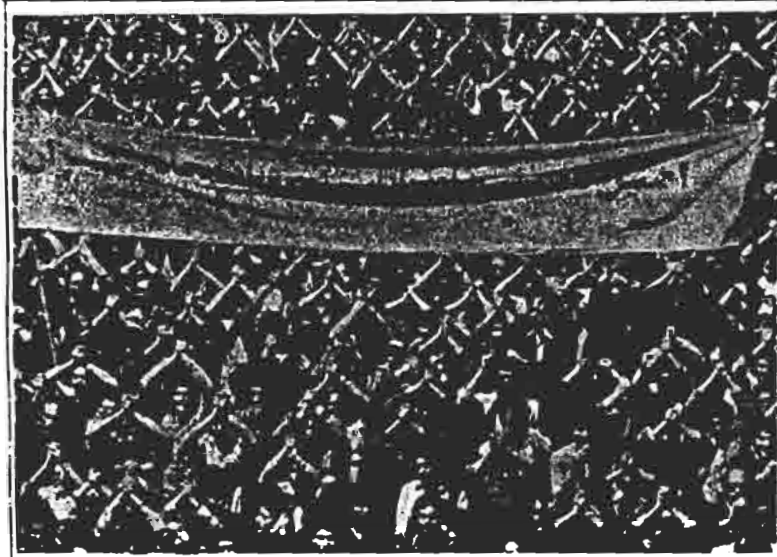
از داشتن آزادی و دموکراسی واقعی محروم بودند، با سرنگونی رژیم پهلوی بی صبرانه خواهان ایجاد نهادهای دموکراتیک و تضمین آزادیهای اساسی خود هستند. یکسری از راهبهای اعمال حاکمیت خلق، شرکت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت خویش است. این امر معنای آنست که مردم بتوانند در امور کشور از ابتدائی ترین تا مهمترین آن دخالت کنند. نهادهای دموکراتیک که میتوانند این شرکت در سرنوشت را بر مرحله عمل درآورد عبارتست از شوراهای شهر و استان در محدوده محلی و مجلس شورای ملی در سطح کشوری. هفتاد سال پیش که انقلاب مشروطیت به وقوع پیوست، بلافاصله هر دو ایستاده نهاد با وجود آمدن انجمنهای ایالتی و ولایتی به موازات تشکیل مجلس شورای ملی در تمام شهرهای ایران برقرار شدند. تشکیل این انجمنها تمام مردم را در مسائل مملکتی و در سرنوشت خود شرکت داد. نگاهی به تاریخ نشان می دهد که همین انجمنها بودند که دستاوردهای انقلاب را حفظ کردند. موقعی که محمد علی شاه به دشمنی با مردم برخاست و مجلس را به توپ بست و آزادیخواهان را بزدلانه کشت و کشت، همین انجمنها بودند که مسلحانه به دفاع از آزادی برخاستند و با پایداری خود توانستند محمد علی شاه مستبد را شکست داده و آزادی و دموکراسی را احیا کنند. در میمان ایسن انجمنها نقش انجمن اهلالتی تبریز که مجاهدینی چون ستارخان و باقرخان و حیدر عمو و غلوی آنرا رهبری می کردند برجسته است. ضرورت تشکیل این انجمنها که نجر به عملی مردم ایران حقانیت آنها را ثابت کرد باعث شده که در متمم قانون اساسی اصول ۹ تا ۱۳ به تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی اختصاص داده شود.

محتوای اساسی این انجمنها در چهار اصل خلاصه می شود. سراسری بودن آنها با انتخاب مستقیم و بلاواسطه نمایندگان از طرف مردم محلی، نظارت آنها بر تمام مسائلی که به عامه مردم مربوط می شود، نظارت آنها بر دخل و خرج ایالات و ولایات هر اندازه مردم به ضرورت ایجاد و

صدها هزار تن از کارگران ...

در نخستین لحظات با مباد روز ۱۱ اردیبهشت تظاهر کنندگان در جلو خانه کارگر در خیابان ابوریحان گرد آمدند. در ساعت ۹ با مباد، دیگر در خیابان ابوریحان جای سوزن انداختن نبود و هنوز لحظه به لحظه بر سیل جمعیت افزود می شد، بطوریکه در ساعت ۹ که آغاز راهپیمایی بود، بسیاری از شرکت کنندگان در تظاهرات، ناچار در خیابان انقلاب و خیابان جمهوری متوقف شده بودند. هنگامی که جلوصف تظاهرات به چهارراه اسلام رسید هنوز

زحمتکش هشمارترو با انضباط تر از آن بودند که مرتجمین تصور می کردند. تظاهر کنندگان در برابر چند ده نفر عناصر فریب خورده و آلت دست که با کلمات رکبک و شعارهای موهن خود قصد ایجاد برخورد داشتند، بی احتیاج چوسیلی خروشان به حرکت پرشکوه خود ادامه دادند، سرانجام در خیابان فردوسی، در کنار مسجد فردوسی حدود صد تن از عناصر اخلالگر جلوصف را سد کردند و کوشیدند با تکرار زشت ترین شعارها به فحاشی و توهین به زنان و



کارگر، برزگر، رنجبر، ای کارگر ما با هم متحد می شویم، تا با هم برکنیم ریشه استثمار

د نهاله صف در خیابان ابوریحان بود. شعارهای اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد، سرمایه وابسته ملی باید گردد، آمریکا، آمریکا دشمن خلق ایران، فلسطین فلسطین، متحد خلق ما و دهمها شعار دیگر تهران راه لزره در آورده بودند.

مردم در مسیر تظاهر کنندگان با کف زدن و هرتاب گل از کارگران و زحمتکشان صهن که مخوفترین و جنایتکارترین رژیم تاریخ را سرنگون کرده اند استقبال می کردند.

عناصر مرتجع و ناآگاه که مناطقی جز فحاشی، افترا و خاشگری ندارند، بارها کوشیدند صاف چندین کیلو متری تظاهر کنندگان را چار بی نظمی کنند، اما زنان و مردان کارگر و

د دختران، اغتشاش ایجاد کنند. در این هنگام صدها هزار تن از تظاهر کنندگان که در خیابان فردوسی و جمهوری ایستاده بودند، با قاطعیت زحمتکشان انقلابی است به اسفالت خیابانها نشستند و قطعه قطعه شورای هماهنگی برگزار. ری اول ماه گون دادند. این تظاهرات تاریخی که بنابه گفته ناظرین نزدیک به نیم میلیون نفر در آن شرکت داشتند حدود ساعت یک بعد از ظهر پایان یافت.

تقریباً در همه شهرهای صهن تظاهرات شکوهمند اول ماه جریان داشت. در زیر تظاهرات برخی از شهرستانهای راکتاین لحظه اخبار آن به دست ما رسیده است نقل می کنیم.

کرمانشاه - در تظاهرات باشکوه کرمانشاه هزار تن شرکت داشتند. عناصر مرتجع و چاقو کشان حرفه ای با حطه به صفوف زحمتکشان (۱۴ تن رازخی کردند که عده ای از آنان در بیمارستان بستری شدند. پانزده تن از مجروحان زن و دختر بودند.

ادای کلمات رکبک و مستهجن می کوشیدند محیط را تشنج کنند. گنبد و ترکمن - در این دو شهر نیز تظاهرات باشکوهی برپا شد که هزاران تن در آن شرکت داشتند. * * * آبادان - هزاران تن از کارگران و هواداران طبقه کارگر در تظاهراتی باشکوه شرکت جستند. چاقو کشها و عناصر مرتجع و آلت دست بارها کوشیدند درگیری ایجاد کنند، اما موفق نشدند.

شوراهای که برگزیده مستقیم مردم هستند، وظایف پاسداری از دستاوردهای انقلاب را به عهده خواهند گرفت. چه ارگانی با صلاحیت تر از این شوراهاستند که به تمام اموری که به مردم مربوط می شود نظارت مستقیم داشته باشند. از آنجائی که همه مردم محل در انتخاب نمایندگان شرکت مستقیم خواهند داشت بنابراین عناصر ساواکی و وابسته به رژیم سابق نمی توانند در این شوراهای نفوذ کنند و دیگر جایی برای چنین عناصر ناپاکی درشوراها مردم نخواهد بود.

درباره اصول و وظایف داینه قدرت و نحوه انتخاب این شوراهای استفاده از اصول اساسی و دموکراتیک انجمنهای ایالتی و ولایتی، مانکات نیز بر این عنوان چهارچوبی برای این شوراهای مطرح میکنیم. ۱- این شوراهای باید در همه شهرها و استانهای کشور تشکیل شوند. ۲- نمایندگان در محیطی کاملاً دموکراتیک، با آراء مستقیم و مخفی تمام زنان و مردان انتخاب شوند. ۳- حدود و اختیارات این شوراهای در تمام اموری است که در سطح محلی به عامه مردم مربوط می شود. ۴- این شوراهای اختیار دارند که به

دخول و خرج شهر و استان رسیدگی کنند، وضع هر نوع عوارض و نحوه خرج آن، با شوراهای مانکات. ۵- با توجه به چهارچوبی که می توان حدود و اختیارات شوراهای در سطح شهر و استان در حل مسائل زیر مشاهده کرد: آموزش و پرورش، بهداشت و بهزیستی، ورزش و تربیت بدنی، رادیو و تلویزیون، خدمات عمومی نظیر آب، برق، پست و تلگراف و تلفن، کار و امور اجتماعی و امور شهرداریها و مسکن، انتظامات محلی و راهنمایی و رانندگی، حمل و نقل شهری، راه ساختمان جدیدی است که انتخاب کارمندان در حدود و اختیارات محل است. برای آنکه آئین نامه شوراهای شهر و استان جامع و بنیاد مند بهای جامع هم آهنگ باشد ضروری است که تجربیات کشورهاییکه در اینباره پیشقدم بودند، با توجه به خصوصیات کشور خودمان، مورد توجه قرار گیرد.

اکنون که ضرورت تشکیل شوراهای اعلام شده و دستور تدوین آن صادر گردیده، ماضن پشتیبانی قاطع از تشکیل این شوراهای معتقدیم که هر چه زودتر باید این شوراهای تشکیل شود. بنظر ما تشکیل چنین شوراهایی با رای آزاد و مستقیم مردم و در محیطی دموکراتیک، حتی قبل از تشکیل مجلس موسسان و انتخابات مجلس شورای ملی میتواند کمکی به رفع مشکلات فعلی باشد.

تهریز - در تهریز هزار تن از کارگران و هواداران طبقه کارگر در تظاهراتی باشکوه شرکت کردند، عناصر مرتجع و ضد کارگری چندین بار به صف تظاهرات حطه کردند و کوشیدند صفوف فشرده تظاهر کنندگان را چار پراکنندگی کنند. مهاجمان مسیر تظاهرات را سد می کردند و با فحاشی و

کشتار قده را چه ...

خلقهای ایران، با خطراتی جدی روبرو خواهد شد. اگر آنها بی که به اجتماع مردم گنبد مسلحانه یورش بردند و فاجعه گنبد را پدید آوردند، در پیشگاه خلقهای ایران محاکمه و مجازات می شدند، آنها با زهم فاجعه نرده تکرار می شد؟ دیدیم که وقایع گنبد را در گون جلوه گر ساختند و به جای معرفی و مجازات توطئه گران، انقلابیون را مسبب رویدادهای شوم گنبد معرفی کردند و برای مدتی کوتاه برخی از مردم رانیز به اشتباه انداختند. آنها همین شیوه هادست ضد انقلاب را با زنی گذارد و آنان را به ادامه جنایت های خود تشویق نمی کند؟ بدون تردید اگر عوامل خونریزی های گنبد و سنج به سزای اعمال خود می رسیدند، فاجعه نرده تکرار نمی شد و ضد انقلاب تا بدین حد نیرو نمی گرفت.

ما لب فرو بستن را در این شرایط حساس خیانت به آرمان انقلاب و خیانت به خلقیای ستمدیده صهن می دانیم. ماسکوت در برابر این فجاجع راهمدستی با توطئه گران و عوامل امیرالایسم می دانیم. اگر آزادیخواهان و مجامع مترقی تسلیم تهدید و ارباب شوند، اگر خطر ضد انقلاب را دست کم بگیرند، اگر روزنامه ها در برابر سیل تهدیدات و فشارهای دشمنان آزادی تسلیم شوند، اختناق با تمام جنبه های ضد انقلابی و نفرت انگیز بر همه شئون صهن مسلط خواهد شد و راه را بر سلطه کامل امیرالایسم هموار خواهد ساخت. باید امروز از آزادی و استقلال صهن دفاع کنیم، فرداخلی دیراست.

بقیه از صفحه ۱

* * * * *

همبستگی

کارگران بیکار شهسوار با کارگران بیکار سراسر کشور

کارگران و کارمندان شرکت کازان شهسوار در سانبه ای چنین نوشته اند: " ما کارگران و کارمندان شرکت کازان شهسوار که از هشت ماه پیش بعلت انحلال شرکت بیکار شده ایم همبستگی خود را با کارگران بیکار سراسر کشور اعلام می داریم و هرگونه اقدام تحریک آمیز و ضد کارگری را محکوم می کنیم. ما که در جریان مبارزات خلق ایران علیه استبداد و استثمار تاپای جان شرکت دانشیم اجازه نمی دهیم " گروهی از راه رسیده " که اعمالشان نشان می دهد نمی توانند نمایندگان خلق ایران باشند. برای ماتعیین تکلیف کنند. ما اعلام می کنیم سرنوشت کارگر

کارگران ریخته گری ماشین سازی تبریز:

بیشتر مدیران سر بار کارخانه ها هستند

تبریز- در جلسه ای که روز چهارشنبه ۵۸/۱/۲۹ کارگران ریخته گری ماشین سازی تبریز با هیئت مدیره کارخانه داشتند مسائل و مشکلات کارگران مطرح شد. از جمله کارگران خواستار کم شدن تعداد کنترل های کارخانه ۱۵ نفر به سه نفر و نیز کاهش ماشین نویسی زائد بودند. اما هیئت مدیره بی گفتند اینها لازم هستند و در عوض می خواستند تعداد کارگران را یکی از نمایندگان کارگران که در این مذاکرات شرکت داشته توضیحاتی به کارگران می دهد که قسمتی از آنرا عینا نقل می کنیم.

اخبار کوتاه

خواسته های کارکنان شرکت واحد تبریز

تبریز- کارگران شرکت واحد که از محرومترین کارگرها هستند خواهان افزایش حقوق و کم شدن ساعات کار خود هستند. کارکنان شرکت واحد تبریز که به ۱۸۰ نفر می رسند با هشت ساعت کار روزانه بین ۳۲ تا ۶۰ تومان حقوق می گیرند (راننده پایه یک ۶۰ تومان حقوق می گیرد). به همین دلیل آنها مجبور هستند برای تامین مخارج زندگی خود اضافه کاری کنند یا بی از پایان هشت ساعت کار در جای دیگری مشغول کار شوند. این کارگران می گویند با توجه به افزایش قیمت ها و نبودن کارفادر تامین هزینه زندگی خود نیستیم.

خواسته های کارگران مترو تهران

تهران- گروهی از کارگران شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) خواهان بازگشت به کار و دریافت حقوق و مزایای ماهیانه گذشته شدند. آنها تاکنون چند جلسه با نمایندگان وزارت کار و مسئولان شرکت داشته اند که ظاهرا به آنها گفته شده " ماشین آلات شرکت را می فروشیم و حقوقتان را می دهیم. " تلاش این کارگران برای رسیدن به خواسته های شان ادامه دارد.

حقوق کارگران نباید پایمال شود

تهران- کارگران و کارمندان آبجوسازی شمس در قطعه نامه شماره ۲ خود با داور شده اند: اکنون که کارخانه های مشروب آبجو سازی تعطیل شده نباید به هیچ عنوان حقوق کارگران این کارخانه های پایمال شود. خواسته های آنها: کارگران و کارمندان در صورت تمایل باید در کارخانه های دیگری که "سهاکپان" و "سرکیان" (مالکان کارخانه آبجوسازی) دارند به کار مشغول شوند و کلیه حقوق کارگران و کارمندان تا روشن شدن وضع کارخانه باید پرداخت شود (این موضوع شامل کارخانه در دست ساختمان کرج هم می شود).

بررسی وضع کارگران کوره پزخانه های دزفول

کارگران کوره پزخانه های دزفول از ابتدای نرس وسایل رفاهی زندگی محرومند. مساک آنها در نقاط متروک و قدیمی شهر واکثرا بشکل زراعه است. این کارگران هیچگونه حمایت و پشتیبانی از حق مسکن... ندارند. از نظر درمانی به وضعیت رسیدگی نمی شود. اکثر کارگران کارخانه من هستند و سالیان دراز است که در همین کوره پزخانه ها کار می کنند. اکنون این سؤال برای کارگران مطرح است که تاکی این وضع ادامه خواهد یافت؟

تصمیمات نمایندگان کارگران، نماینده دفتر هواداران سازمان و استاندار کردستان:

درباره کارگران بیکار

سنندج- در جلسه ای که اوایل فروردین ماه با حضور نمایندگان اتحادیه کارگران سنندج، کمیته کارگری، دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، استاندار و نمایندگان ادارات کار، دارایی، دفتر برنامه و بودجه و شرکت های ساختمانی و راه سازی در محل استانداری تشکیل شد مذاکراتی انجام گرفت و موافقت نامه ای به تصویب رسید. در این جلسه مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی کردستان گفت در سطح استان بیش از هفت هزار کارگر بیکار وجود دارد. نماینده کارگران و نماینده دفتر هواداران سازمان نیز درباره مسائل و مشکلات کارگران بیکار سخن گفتند و خواهان راه حلهای بلند مدت و کوتاه مدت برای حل این مساله شدند. در پایان جلسه تصمیمات زیر به تصویب رسید. ۱- به عنوان راه حل موقت ۳۰۰ کارگر به وسیله شهرداری ۲۰۰ کارگر توسط اداره کل راه و ترابری استان به کار گمارده شوند و موقتاً روزانه پانصد ریال دستمزد بگیرند. این کارگران با معرفی دفتر هواداران و اتحادیه کارگری و اداره کار انتخاب خواهند شد. ۲- در مورد پرداخت حقوق و مزایا و مطالبات قانونی کارگرانی که قبلاً در کارگاههای پیمانکاران مشغول به کار بوده اند قرار شد که با نظارت اداره کار، اتحادیه کارگران و دفتر هواداران سازمان اقدام شود. ۳- اسامی و مشخصات کارگران از کار افتاده از طرف اتحادیه کارگران و دفتر هواداران سازمان تهیه شود تا اقدام لازم برای پرداخت مستمری ماهانه انجام گیرد. ۴- پرداخت حداقل هزینه زندگی و وام بدون بهره به کارگران نازمان اشتغال به کار آغاز خواهد شد.

کارگران نفت لاوان: اجازه نمیدهم طرح ضد کارگری اجراء شود

جزیره لاوان- کارگران شرکت نفت لاوان در قطعه نامه ای به مسئولان این شرکت اظهار کرده اند که اجازه نخواهند داد طرح ضد کارگری که در رژیم گذشته تدوین شده بود به اجراء آید. در این قطعه نامه آمده است: " ما کارگران شرکت نفت لاوان به کلیه مقامات مسئول این شرکت اعلام می داریم به هیچ وجه اجازه نخواهیم داد طرح ضد کارگری را که در رژیم منقر سابق در مورد کسر مزایای میزان ۴۵ درصد درازای یک هفته کار یک هفته استراحت، تدوین شده بود، به مرحله اجراء آید. ما همچنان بر طبق برنامه کنونی به کار ادامه می دهیم و اعلام می کنیم ناپیش از مذاکره مسئولان شرکت با نمایندگان منتخب کارگران، هرگونه کسر مزایا از حقوق کارگران با اقدامات و عکس العمل شدید از طرف کارگران روبرو خواهد شد.

اخراج رئیس کارخانه چینی سازی پارس

رشت- شورای کارگران کارخانه چینی سازی پارس که در بهمن ماه ۵۷ تشکیل شده است در تاریخ ۵۸/۱/۲۵ تصمیم می گیرد که رئیس کارخانه (محمد حسین میری) را بدلیل کارهای غیر انسانی و فشار هم جانبیه به کارگران و بدلیل وارد نبودن در امر مدیریت از کارخانه اخراج کند. مدیر عامل کارخانه تصمیم فوق را نمی پذیرد و شورا را غیر قانونی اعلام می کند و جریان را به کمیته رشت اطلاع می دهد. شورای موقت اسلامی کارگران (مستقر در وزارت کار) با تذکر به کمیته امام که کار فوق در صلاحیت آنها نیست نمایندگان خود را به محل کارخانه می فرستد و پس از مذاکره با کارگران و نمایندگانشان عدم صلاحیت مدیریت کارخانه مورد تأیید قرار می گیرد و تصمیم گرفته می شود که مدیریت کارخانه از سمت خود برکنار شود و شورا قبول می کند که مسئولان امور کارگران برای انتخاب فردی که صلاحیت مدیریت داشته باشد کوشش کنند.

کارگران نمایندگان خود را انتخاب کردند

کارمندان را پاسداران مسلح به اتهام تحریک کارگران بازداشت کردند و کمیته سابی (حکم آباد) بردند. کارمندان شرکت به این امر اعتراض کردند و کمیته بازداشت شدگان را آزاد کرد و حتی حاضر شد که از کارگران و کارمندان معذرت خواهی کند. در تاریخ ۵۸/۱/۲۱ یک نفر برای معذرت خواهی به شرکت آمد، اما کمیته اسلامی انبارهای عمومی تهدید کرد که سبستی از کارگران و کارمندان معذرت خواهی شود. کارگران به کمیته اسلامی اعتراض کردند و گفتند که ما این کمیته را قبول نداریم و به سبستگی نمی ساسیم. خودمان صحبت هامان را می کنیم و نماینده انتخاب می کنیم و به این ترتیب در تاریخ ۵۸/۱/۲۲ کمیته اسلامی لغو شد و کارگران خود در یک انتخابات ۶۱ نفر را به نمایندگی برگزیدند.

موفقیت کارگران شهرداری سنندج

سنندج- نمایندگان کارگران شهرداری سنندج در مذاکرات موفق آمیزی که با استاندار کردستان داشتند به خواسته های زیر رسیدند: صدور احکام استخدامی برای کلیه کارگرانی که یکسال سابقه کار دارند. پرداخت حیره غیر نقدی، افزایش

وجه پرداختی برای دو دست لباس زمستانی و تابستانی از ۲۰۰ تومان به ۲۵۰ تومان (برای هر دست لباس)، پرداخت روزانه ۲۵۰ ریال بول سروتاس و وسایل امعی. در مورد افزایش حق مسکن از ۱۵ تومان به ۶۰ تومان و سایر خواسته ها مذاکره ادامه خواهد داشت.

رئالیسم انتقادی چه کمبودهایی داشت؟

سخنی با خوانندگان صفحه ادبیات کارگری

ما لازم می دانیم از همگی دوستانی که به درخواست ما پاسخ مثبت دادند و آثار خود را برای ما فرستادند صمیمانه تشکر کنیم. متأسفانه امکانات محدود این صفحه به ما اجازه نمی دهد که در هر شماره آثار بیشتری را چاپ کنیم و بسیاری از اشعار یا مدامت زیاد در انتظار چاپ باقی میمانند و با اصول امکان چاپ پیدانمی کنند. شاید مدار آینده بتوانیم برگزیده های از این آثار را بصورت جزوه یا کتاب جداگانه ای چاپ کنیم. بخصوص ما در مقابل آن رفقای احسان شرمندگی می کنیم که اشعار بسیار خوبی در

ستایش از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مبارزات آن یاد بزرگداشت رفقای شهید ما سروده اند، ولی ما تصمیم گرفته ایم در این صفحه از چاپ آن آثاری که صرفاً جنبه تبلیغ برای سازمان دارد خودداری کنیم. اگر مورد مناسبی پیش آمد برخی از این آثار را چاپ خواهیم کرد و اگر گزاش خواهیم کرد آنهارا هم در کتاب جداگانه ای به چاپ برسانیم. باسپاس گزاری از همه شما، امیدواریم با همکاری شما ادبیات کارگری غنای بیشتری پیدا کند.

بیستم که ناقوس مرگ سرمایه داری بطرز جدی تری بمدا درآمد، خلیسی از رئالیست های انتقادی زوال سرمایه داری را اصولاً زوال تمدن بشری و فرهنگ انسان تلقی کرد و خیال کردند که دیگر دنباله آخر رسیده، آنهایی توانستند درک کنند که در کنار زوال سرمایه داری، نیروهای دیگری در حال رشد هستند و تمدن و فرهنگ جدیدی را پایه گذاری خواهند کرد. در آثار آنها، برخلاف آثار رئالیست های اولیه، بدبینی و نومیدی و سرخوردگی دیده می شد.

۵- آنها از جامعه سوسیالیستی که باید جایگزین سرمایه داری می شد درک درستی نداشتند و طبعاً راه تحقق بخشیدن به آن و نیروهای را که باید در راه آن مبارزه می کردند بخوبی نمی شناختند.

۶- موقعی شناخت کامل واقعیت ممکن است که آدم در درون آن باشد. رئالیست های انتقادی معمولاً طبقه کارگر و جامعه سوسیالیستی را از بیرون بررسی می کردند و از همین نظر شناخت آنها دقیق و درست نبود. بعضی از رئالیست های انتقادی، برای آنکه به این اشکال برخورد نکنند، از واقعیت طفره می رفتند و اصولاً به جامعه آینده و حل تضادهای موجود در جامعه نمی پرداختند. آنها به جای تحلیل مبارزه طبقاتی، فقط تاثیرات روانی و اخلاقی آن را در افراد نشان می دادند. چنین ادبیاتی البته خیلی بیروح و کسل کننده از آب درمی آمد.

می بینیم که تمام این کمبودها به کمک جهان بینی علمی و سوسیالیستی قابل رفع است. مزیت عمده رئالیسم سوسیالیستی نیز بهره گیری از همین جهان بینی است. یکی از رئالیست های انتقادی آلمان به نام "هاینه" می گوید:

"سوسیالیسم موثرترین راه مبارزه با نیروهای است که نویسندگان بورژوا همواره علیه آن جنگیده اند."

پیش از آنکه به رئالیسم سوسیالیستی بپردازیم، بد نیست ببینیم در حال حاضر ما با رئالیسم انتقادی چگونه برخوردی باید داشته باشیم؟ آیا آن را در کنار رئالیسم سوسیالیستی می دانیم یا در مقابل آن؟ و آیا در یک جامعه سوسیالیستی چه سرنوشتی در انتظار رئالیسم انتقادی است؟

رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی به عنوان دو هموزم

با وجود تمام کمبودهایی که برای رئالیسم انتقادی برشمرديم، باز باید توجه کنیم که این سبک، یک سبک هنری و ادبی مترقی است و باید از آن در مقابل شیوه های غیر رئالیستی حمایت کنیم. مهم ترین دلایل ما از این قرارند:

۱- ما پیش از این به اهمیت توصیف و تحلیل واقعیت اشاره کرده ایم، و حتی گفتیم که هرگونه توصیف واقعیت با هر دیدی که باشد، ضربه ای است بر پیکر سرمایه داری.

۲- رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی هر دو با هم بر علیه نظام سرمایه داری طغیان کرده اند و از آن انتقاد می کنند یا آن را محکوم می کنند. بنابراین این باید یکدیگر هموزم و همسنگر هستند. اگر ما رئالیسم انتقادی را طرد کنیم مثل این خواهد بود که یکی از سلاح های خود را در مبارزه بر علیه سرمایه داری به دور بندازیم و از آن استفاده نکنیم.

۳- رئالیسم انتقادی حتی از برخی جهات می تواند در خدمت رئالیسم سوسیالیستی باشد. مثلاً رئالیست های انتقادی بهتر می توانند سرمایه داری در حال زوال و تاثیر زوال آن بر افراد و جامعه به کهن را توصیف کنند، چون خودشان در درون بورژوازی قرار دارند و مسائل آن برایشان ملموس و روشن است.

بنابراین روشن است که رئالیسم انتقادی در جامعه سوسیالیستی هم تا مدتی دراز وجود خواهد داشت و حتی نقش مثبت بازی خواهد کرد. زوال رئالیسم انتقادی تدریجی خواهد بود نه ناگهانی. سرانجام جامعه وضعی پیدا خواهد کرد که فقط رئالیسم سوسیالیستی از عهده توصیف آن بر خواهد آمد. در شماره بعد در این باره بیشتر توضیح خواهیم داد.

رئالیست های انتقادی اواخر قرن سوزدهم، سعی می کردند با دقت یک دانشمند جامعه شناس به مطالعه واقعیت های جامعه بپردازند و آن را تحلیل کنند. به همین دلیل در آثار خودشان به خوبی نشان می دادند که دیگر عمر جامعه سرمایه داری به سر آمده و این جامعه نمی تواند منافع حقیقی و نیازهای زحمتکشان و سعادت آنها را تامین کند. اما آنها از درک علت های زوال سرمایه داری و همچنین از یافتن راه صحیح حل تضادهای این جامعه و شناخت نیروهایی که باید سرمایه داری را به گور سپارند و جامعه آینده را بنا کنند، عاجز بودند.

اگر بخواهیم همه کمبودهای رئالیست های انتقادی را در یک کلام خلاصه کنیم، باید بگویم که اشکال کار آنها در این بود که به بینش علمی و جهان بینی سوسیالیستی مجهز نبودند. یعنی در واقع به طبقه کارگر تعلق نداشتند و طبعاً با جهان بینی آن هم بیگانه بودند. این بیگانگی با جهان بینی طبقه کارگر، به اشکال مختلف در آثار آنها منعکس می شد و کمبودهای زیادی را به دنبال می آورد که عمده ترین آنها از این قرار بود:

۱- با آنکه نشان می دادند که شخصیت هر فرد و اخلاق و روحیات او در جامعه و تحت تاثیر محیط شکل می گیرد، باز در مواردی رابطه را بشکل معکوس می دیدند. گاهی آنها فکر می کردند که یک آدم سرمایه دار زالو صفت و پول پرست را می شود با نصیحت و پند و اندرز تغییر داد و به همین ترتیب جامعه را میتوان از راه اخلاقیات اصلاح کرد.

۲- اگرچه نقش توده های مردم را در ساختن تاریخ تا حدی درک کرده بودند اما درک آنها ناقص بود و بخصوص از نقش مشخص طبقه کارگر و رسالتی که این طبقه در انهدام سرمایه داری و ساختن جامعه بی طبقه برعهده دارد، غافل بودند. اصولاً برخورد آنها با جامعه سرمایه داری بصورت یک اعتراض و ایراد خواهش فردی بود. آنها اغلب نمی توانستند درک درست و کاملی از مبارزه طبقاتی داشته باشند و قهرمان آنها یک فرد بود. با خصوصیات خاص خودش.

۳- با آنکه توجه به تاریخ یکی از خصوصیات عمده رئالیسم انتقادی است؛ اکثر واقعیت تاریخ را هم بدستی نمی شناختند. مثلاً بعضی از آنها که می دیدند انقلاب کبیر فرانسه حاصلی برای توده های مردم نداشته و باز طبقات حاکم بر زحمتکشان مسلط شد و اندوه همینطور انقلابات دیگری هم که شده همه شکست خورده و چیزی عاید مردم نشده، اینطور نتیجه می گرفتند که تاریخ تکرار می شود. این عده فکر می کردند که همیشه در تاریخ به جای هراستداد، استبداد دیگری می آید و هر شکل استعمار، جایش را به شکل دیگری از استعمار می دهد. درک سایر رئالیست های انتقادی از تاریخ هم بی نقص نبود.

۴- جهان بینی آنها یک جهان بینی بورژوازی بود. به همین دلیل در قرن

هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمائید
تهران - خیابان بلوار، خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹
آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تهران - بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۲۰۹۸
بنام عباس فضیلت کلام
از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم، فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

من ناموافقم	مخالف
بهرچه با سارت انسان موافق است	من یک مخالفم
من با تعصبات گروهی بشر نما	من یک مخالفم
با عاملان و شایعه سازان ارتجاع	گردر خیال تو
من با مخالفان بیان عقیده ها	اینک مخالفان همگی مارکسیستند
آتش کشندگان ستاد چریکها	بسیار صادقانه من اقرار می کنم
با انتخاب ونحوه کار کمیته ها	بسیار صادقانه
بهرچه از رژیم برافزاده مانده جا	کمونیست نیستم
بی چون و چرا و سراپا مخالفم ...	زیرا که تاکنون
(۵۷/۱۲/۲۶)	لیاقت آنرا نداشتم
از: ک.ک. (ارومیه)	

شعر

یابره نه ها

اصحاب کف
در روزگار ما
بار دیگر ز غارها، ز آب سوی آب ها
بیرون خزیده اند
بی هیچ زحمتی
دارندگان سکه ی دقیانوس
در چشم و گوش خلق
در نیش جام جم
دکان کفش فروشی کشوده اند
تا پابرهنه ها
در عالم خیال
از نعمت تصاحب یک جفت کفش نو
مسرور شوند.
شاید به این امید
شاید در این خیال
شاید در این سراب
پای از مسیر جنبش خلقی بیرون نهند
اماد ریخ و درد، شمایان
اصحاب کف
در خواب بوده اید
بمالید چشمتان
ما خود ز خیل غار نشینانیم
ماسالهای سال
در سرزمین غار
در عمق غارها
بی خواب و بی قرار
درویز تازیانه ی جلاد کینه توز
بیدار مانده ایم

خوابیدگان روز
مادر شب سیاه
در ظلمت فشرده ی غار مخوف شهر
با چشم های بسته تماشا نموده ایم
صبح سپید جنبش این خلق قهرمان
اصحاب کف گران خواب عصر ما.

دارندگان سکه ی دقیانوس
در اینجا چه می کنید
در نیش جام جم؟
یک لحظه بنگرید.
هنگامی عظیم
پیکار توده ها
پیکار خلق ها
توفان انقلاب
یک لحظه گوش دهید این خورش را
کاید برون زنجیره ی توده های خلق
"زحمتکشان جهان متحد شوید"

(این شعر در تاریخ ۹/۱۲/۵۷ سروده شده و متأسفانه خیلی دیر به دست ما رسیده است).
از: رخساره



گزارشی درباره ماهیگیران شمال

درباره اساسنامه شورای ستاد نیروی هوایی

ماهیگیران یکی از مستعبدترین اقشار زحمتکش خلق ما هستند که حتی در سخت ترین و خطرناکترین شرایط حوی، به دریا می روند تا صید ماهی مخرج زندگی خود را تأمین کنند. شرایط ونحوه کار آنها در شمال کشور طوری است که بیشتر به کارگران فصلی نزدیک هستند تا ماهی کارگران دائمی کارخانجات. و به همین دلیل همگی ناگزیر هستند تقریباً نیمی از سال را بکار دیگری بپردازند. بخش زیادی از این ماهیگیران کشاورز هستند و آن نیمه سال را که صدم ماهی امکان پذیر نیست روی زمین کاری کنند. عده ای نیز در مدتی که صید صورت نمی گیرد، بدنبال کاری کردند و اینها و آنجا به کارهای مختلف ارجحاً به کار ساختن می پردازند.

شرکت هر ماه یک هزار تومان معنوی مساعد به کارگران می دهد. در ازا آن صیادان آنچرا که صید می کنند با قیمت تعیین شده از طرف شیلات باید به آن بفروشند. آخر هر ماه، سهم هر یک از صیادان را بابت صید برآورد می کنند و مقدار مساعده ای را که داده بودند از آن کسری کنند و بقیه را به صیاد می دهند. در صورتی که سهم صید هر کارگر از مقدار مساعده ای که گرفته است کمتر باشد صیاد وظیفه دارد که کسری را بپردازد. در حقیقت پرداخت مزد بصورت "کارمزدی" است. این مسئله باعث میشود که صیادان بخاطر تأمین مخرج زندگی در تحت خطرناکترین شرایط جوی نیز برای صید به دریا بروند و همچنین ناپاسی از شب در دریا با مانند تا شاید ماهی بیشتری صید کنند. شرکت شیلات گوشت ماهی اوزون برون را کیلویی ۱۷ تا ۲۰ تومان می خرد و علاوه از دستمزد آنها ۲۷٪ کسری می کند (۲۵٪ بابت استهلاک تور و قاپقو و دیگر لوازم ماهیگیری و ۷٪ بابت مخرج متفرقه؟)!

۲- کارگران عضو شرکت های تعاونی: این کارگران پس از تشکیل شرکت تعاونی به شیلات مراجعه می کنند و منطقه ای را برای صید از آنجا اجاره می کنند. این شرط که ماهی صید شده را به شرکت شیلات بفروشند البته در مواردی هم ممکنست چند سرمایه دار خصوصی شرکتی تشکیل دهند و با استخدام ماهیگیران به صید ماهی بپردازند. که در این صورت با صیادان مثل کارگروزمز در رفتار می شود. محل زندگی و خانه های این کارگران بسیار غیر بهداشتی است. معمولاً

این گروه زحمتکش، بانعام ایس خصوصیات مشترک بخاطر وضع کارشان به بخش متعابر تقسیم می شوند. کارگران شیلات، ماهیگیران عضو شرکت های تعاونی و ماهیگیران منفرد.

۱- کارگران شیلات: در سرتاسر شمال کشور در صیدگاههای مناطق مختلف برانگده هستند. بخشی از این صیادان محلی و بخشی غیربومی و مخصوص آذربایجان هستند که در مدت کار دور از زن و فرزند در اطفاکی که شیلات در اختیار آنها می گذارد زندگی می کنند. ساعات کار آنهاستکی به شرایط حوی و دریا دارد. بیشتر اوقات ساعت ۴ صبح به دریا می روند و بعد اگر دریا آرام باشد در حوالی ظهر و در غیر این صورت حدود ۳ الی ۴ بعد از ظهر بازمی گردند.

فایده های مورد استفاده آنها نادانی است. چون صید در بعضی از فصل های سال ممنوع است، شیلات فقط بمتعاب از سال در دو فصل صید این کارگران را بکار می گیرد (فصل اول از اوایل سپتامبر تا اواخر فروردین و فصل دوم از اواسط مرداد تا اواخر مهرماه). شیلات هیچگونه تعهد حقوقی نسبت به کارگران خود ندارد بدین معنی که کارگران از بیمه درمانی، بازنشستگی، اضافه کاری، از کار افتادگی، مرخصی، سرویس، غذا، سود ویژه و غیره برخوردار نیستند.

مصولی که صید رسماً ممنوع است، صیادان محلی یا بکار صید قاچاق می پردازند و با دریاستان به کارهایی چون نجات غریق و کار در پلها و غیره اشتغال دارند. صیادان غیربومی عمدتاً کشاورز هستند و احتمالاً زمانی در روستای خود در آنده که روی آن کار می کنند. بطور معمول در شروع هر فصل صید شاز سه چهارم کارگران قبلی بکار باز می گردند.

اول هر فصل، اداره شیلات از کارگران می خواهد که قرارداد را امضاء کنند که بر طبق آن شرکت شیلات فایده ماهیگیری، تور و سایر لوازم ماهیگیری را در اختیار صیادان قرار می دهد و صیادان موظفند آنچرا که صید می کنند در حضور مأمورین دولتی در اختیار شرکت بگذارند. بطور تائونی هیچ صیادی حق ندارد چیزی از بابت صید برای خودش بردارد.

یادرجلدر می خوابند و یاد رگوه های مناسبه حلی آبادهای معروف، سرپناههایی با ارتفاع یکمتر و مساحت چند متر مربع و نازه همین هاراهم زاندارمهای پسر رضا خان تحمل نمی کردند و حتی اجازه ایجاد اولیه ترین احتیاجات انسانی را (مترج اولیه به اینکه فصلی هستند و از هیچگونه امنیت شغلی برخوردار نیستند) شدت از طرف شیلات غارت می شدند؛ بدین ترتیب که ماهی صید شده را (حتی تا ۳۰٪) به بهانه های مختلف بی ارزش می دانستند (مثلاً به این بهانه که کمتر از ۸۰۰ گرم هستند) و نازه باقی راهم به قیمتی بسیار ارزان از دست آنها بیرون می کشیدند (مثلاً ماهی سعید را کیلویی ۳۵ تومان می خریدند و در بازار کیلویی ۶۰ تومان می فروختند) صیادی تعریف می کرد که بکار شصت و سه هزار ماهی گرفته شد که حداقل دانه ای یکصد و پنجاه تومان می ارزید. شیلات پس از فروش آنها به هر نفر چهار هزار تومان داد، جملاً ۳۲۰ هزار تومان. در حالیکه درآمد حاصل از فروش آنها برای شیلات ۹ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان شد.

۳- ماهیگیران منفرد: که اکثر در دسته های چند نفری روی یک قاپقو کاری کنند. آنها به صید قاچاق می پردازند و به همین دلیل نرگز شته مدام با مأمورین ژاندارمری و اداره شکار بانسی

اخیراً اساسنامه تشکیل شورای مرکزی ستاد نیروی هوایی در ۷ ماده و ۵ تبصره به دست ماریده است. ضمن ارائه فشرده ای از اهم مسائل آن سعی کرده ایم به بررسی و نقد آن بپردازیم.

ایجاد شوراهای واقعی درون ارتش می تواند در دمکراتیک کردن ارتش و در جلوگیری از تبعیض و سستی که بر سر سازمان و درجه داران و افسران رواداشته می شود، نقش ارزنده ای ایفا کند. مادر زیر به بررسی برخی از مواد این اساسنامه می پردازیم:

در ماده ۱ اساسنامه هدف تشکیل شورا دگرگون کردن نهادهای ارتش سابق و جانشینی نهادهای مردمی و محسولیکه آثار استبداد و استعمار عنوان شده است. و وظیفه ی ارتشی رانه سرکوب مردم میهن بلکه دفاع از مرزهای کشور در برابر بیگانگان دانسته اند. نظامیان مترقی نیروی هوایی و کلیه پرسنل انقلابی ارتش بخوشی میدانند که بعد از کودتای ۲۸ مرداد همه نظامیان انقلابی ارتش اعدام شدند و بعد از تصفیه کامل ارتش از مبارزین بوسیله مسز دوران وابسته به امپریالیزم و جاسوسان رنگارنگ "سیا" لازمه تر قیوع درجه و مقام عمدتاً

پرسرهنگی به بالا و فاداری بی چون و چرابه شاه خائن و در جهت برآوردن خواست اوو اربابان امپریالیستی بود و این کار چرز

درگیری داشتند. به این ترتیب که اولاً کلیه ماهی های صید شده را ضبط می کردند تا با آنها اجاره های بسیار سنگین می کردند و مدتی بین ۶ ماه تا یکسال زندانی می کردند. بسه به اینکه مسئولان ژاندارمری مناطق مختلف جلور آدمهایی باسندگهای برخوردارهای خشن تری پیش می آمد، با فاقهایشان شکسته می شد یا کشته می شدند. بزرگترین ضعف مبارزانی این

زحمتکشان عدم شکل آنهاست که دوری، مناطق از یکدیگر و ضعف ارتباط بین آنها و خصوصیت نیمه کارگری شان آن را تشدید کرده است. هزاران کارگر ماهیگیر که در دهها منطقه شمال برانگده اند، هنوز (تا اواخر فروردین ماه) فاقد تشکیلات صنفی و سیاسی هستند. تجمع صیادان با بلسر در سوم اسفند ماه ۵۷ اولتسن کردهای صیادان بود که حتی صیادان مناطق مجاور نیز از آن بی اطلاع بوده اند. امدار عین حال خواسته های مشترک همه این زحمتکشان زمینه بسیار مناسبی برای تشکیل صنفی در میان آنها فراهم آورده است. اسخدام رسمی و نامن حد اقل دستمزدی ثابت برای همه آنها عامل وحدت بخشی است که می تواند مورد توجه قرار گیرد و ایندا ماهیگیران یک منطقه را در سازمان صنفی (سندیکا) منشل نماید و بوسیله با ایجاد ارتباطی نزدیکتر با دیگر مناطق زمسه ایجاد اتحادیه سرتاسری ماهیگیران شمال را فراهم کند.

مثلاً از طریق ایجاد واحدهای پرورش ماهی، شرکت داشته اند و اوقف اند و این کمبود

با سرکوب خلقهای میهن و منطقه عملی نمی شد. این قسمت از اساسنامه شورابنظیر ما از عمدترین مواردی است که نیاز به تاکید همه جانبه دارد. زیرا در دوران اخیر هم ما شاهد زیر پا گذاشتن این خواست از طرف بعضی از فرماندهان ارتش ملی هستیم. آخرین نمونه آن کشتار نرگده است که بدستور ارتش و علی رغم میل نظامیان و بر اساس اصل اطاعت کورگورانه باز هم در قسمتی دیگر از ماده ۱ اساسنامه موضوع پایان دادن به تبعیضات و ریشه کن کردن فساد و شکوفا های استعدادها و رشد ارزشهای معنوی به میان آمده است. باید در توضیح بیشتر این قسمت از اساسنامه شورای ستاد نیروی هوایی متذکر شویم که ارتش با تعلیمات و آموزش های مستشاران امریکائی و عاملین سیا و موساد در جهت حفظ و تحکیم منافع امپریالیستها و سرپرندگان داخلی شان با سرکوب خلقهای میهن و منطقه به ایفای نقش سرکوبگر خود پرداخته بود و با تاکید بر اطاعت کورگورانه به نابودی استعدادها و پاپامال کردن شخصیت افراد در درون ارتش همت گماشته بود و تنه به عناصر جاسوسی و چاکر منش و خیانت پیشه اجازه رشد و ترقی می داد.

ارتش وابسته طی سالیان متدای با صرف میلیاردها دلار در آمد مردم مستعبد و محروم میهن به توسعه هر چه بیشتر زرادخانه های بزرگ کشورهای امپریالیستی بویژه امریکا پرداخته بود تا از این راه هم اجیب گشاد سرمایه داران جهانی را بکنند و هم با جنگ افروزی و ایجاد سنم ملی و مذهبی در بین خلقهای میهن و منطقه به اهداف تولید خود برسند. مادر آخر ماده ۱ اساسنامه بخوبی شاهد تاکید بر این اصل میهنی هستیم یعنی تاکید بر از بین بردن اطاعت کورگورانه و جانشین کردن انضباط معنوی بجای آن و جلوگیری از اصراف و حذف مخرج زائد.

در ماده ۲ اساسنامه شورای مرکزی ستاد نیروی هوایی از نحوه تشکیل شوراهای در سطح کلیه پادگانهای نیروی هوایی در کلیه نقاط میهن صحبت شده است. به این ترتیب شوراهای در سطح پایگاهها و فرماندهی های زیر نظر شورای مرکزی ستاد نیرو تشکیل می شود. تعداد اعضای شورا به نسبت تعداد پرسنل هر گروه تعیین می شود. تعداد اعضای شورای مرکزی ستاد نیرو ۲۴ نفر است که عبارتند از ۶ افسر، ۶ نفر هافر، ۶ نفر درجه دار و ۶ نفر کارمند که قسمتی از شرایط عضویت در آن را داشتن حسن شهرت و نداشتن همکاری با ضداطلاعات سابق و سازمانهای مشابه آن داشتن آگاهی مذهبی و سیاسی دانسته اند. در مورد این ماده یعنی نحوه تشکیل شوراهای لازم به توضیح است که اشاره نشده است در تشکیل و تشکل این شورا سربازان چه نقشی خواهند داشت و این نیز یکی از ضعفهای اساسنامه مذکور است. پرسنل مبارز در ارتش به خوبی به نقش ارزنده سربازان که دوش به دوش سایر فرماندهان ارتشی در مبارزات اخیر شرکت داشته اند و اوقف اند و این کمبود

چنانچه جبران شود میتواند در دمکراتیک کردن شورافید واقع شود و خود زمینه ای شود در بسیج هر چه بیشتر نیروهای مردمی در شوراهای ارتش.

ماده ۴ اساسنامه مربوط به مدت خدمت اعضای شورا است که یکسال در نظر گرفته شده و ضمناً انتخاب مجدد یک یا چند عضو را فقط برای دونوبت متوالی جایز دانسه اند.

ماده ۵ وظایف شوراهاست. در ابتدا یکی از وظایف شورا در این ماده، بررسی مشکلات و مسائل طبقاتی و پیدا کردن راه کارهای مناسب برای آن یعنی بررسی و تحلیل شکایات ها و پیشنهادهای او را که راه حلهای مناسب عنوان شده است. این قسمت از ماده ۵ اساسنامه با وجود آنکه جنبه های مثبتی در آن هست، به هیچ نحو موضوع را بطور صریح و روشن بیان نمی کند و فقط به ذکر جمله (ارائه راه کارهای مناسب) اکتفا می کند. در حالیکه توجه اساسی به مسئله زحمتکشان در ارتش که در بین درجه داران و سربازان و افزایند ان ارتش فراوان وجود دارد و حل مشکلات زندگی آنان در چهارچوب وابستگی شان به ارتش می تواند پشتیبانی این نیروها را جلب کند و زمینه را برای فعال تـر و دمکراتیک تر کردن شورا فراهم کند.

در قسمت دیگری از ماده ۵ اساسنامه مشورت با فرماندهان در موضوعات غیر عملیاتی و نظارت در اجرای دقیق کارهای عملیاتی تصویب شده در شورامند کرده اند و بعد اعلام کرده اند که فرماندهان موظفند در امور غیر عملیاتی با شورای یگان مربوطه مشورت کنند و ضمناً آن (فرماندهان) در امور جاری عملیاتی در چهارچوب مقررات و دستور العمل های مصوبه نیروی هوایی دارای اختیارات ویژه پست خویش هستند و شوراهای را بنمورد دخالت ندارند و لسی بطور غیر مستقیم نظارت خواهند داشت.

بنظر می رسد قسمت اخیر این ماده بطور مشخص دست فرماندهان را در اجرای برنامه های نظامی بدون مشورت شورا بازمی گذارد. در اینجا صریحاً از عدم دخالت شورا در طرح و اجرای امور جاری عملیاتی صحبت می شود که به این ترتیب و دقیقاً در این قسمت شورا نقش تشریفاتی و غیر فعال بخود می گیرد که این امر کاملاً مناقض با اهداف و نظرات اولیه شورا است.

ماده ۶ این اساسنامه اختصاص به هماهنگی و ارتباط دارد و در قسمتی از آن گفته شده که شوراهای چهار در سطح یگانها و در سطح ستاد نیرو قدرت اجرایی ندارند و امورا جرائی که امکان از طریق ستاد یگانها انجام می شود، با کمی دقت به این قسمت از ماده ۶ که در واقع بی اعتبار کردن شورا و سلب قدرت تصمیم گیری و قدرت اجرایی شورا است بخوبی خواهیم دید که اینها هم به هیچ نحو با هدف اساسی شورا که برخورد دمکراتیک با کلیه مسئولیتهاست کاملاً منافات دارد.

تشکیل شورای دهقانی در بندرتکمن

- ۱- مزین نصب شده بود .
- ۲- مراتع خصوصی عمال فوق نیز مراتع عمومی بندرتکمن اعلام شود .
- ۳- دریافت وام بدون بهره جهت کشاورزی و دامداری و پرداخت وام برای رفع نیازمندی کشاورزان .
- ۴- امور آب ، بذر ، کوددهقانان بوسیله شورای دهقانی رسیدگی و برآورد شود .
- در ضمن اعضاء این شورای دهقانی برای یکسال انتخاب می شوند تا در مدت زحمتکشان وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهند . خدمت اعضای شورای انتخابی نیز افتخاری است .

خواسته های اهالی روستائیان لیماکش

- ۱- آزاد کردن تفنگهای سبک برای دامداران به جهت مقابله با حمله گرگ و خرس به دام .
- ۲- واکسیناسیون رایگان برای گوسفندان و گاوهای روستائیان .
- ۳- لوله کشی جهت آب آشامیدنی و تامین برق سراسر روستاها .
- ۴- ایجاد راه جهت تسهیل ایاب و ذهاب و حمل محصولات کشاورزی به شهر .
- ۵- ایجاد شرکتهای تعاونی در روستاها .
- ۶- آزاد کردن چوب جنگل برای روستائیان جهت ساختمان مسکونی و طوبله برای گاو و گوسفند .
- ۷- واگذار کردن زمینهای مرغوب جهت زراعت و کشاورزی از قبیل برتقال و چای و میوه جات .

دهقانان سازز بندرتکمن تصمیم گرفتند دیگر اجازه ندهند حنا بکاران و غارتگران بیش از این از آنها بهره کشی کنند . آنها در اجتماعی که روز اول اردیبهشت برگزار کردند ، از میان خود پنج نفر را بعنوان اعضای شورای انقلابی دهقانان بنسدر ترکمن انتخاب کردند تا با همکاری شورای شهروکانون فرهنگی - سیاسی بندرتکمن حقوق باعمال شده و خواسته های روستائیان را بدست آورند . مهمترین این خواسته ها چنین است :

- ۱- تصرف ۲۱۶۰ هکتار زمین کله در جریان اصلاحات ارضی فرمایشی توسط منوچهر طائی ، هژبر یزدانی و تیمسار اکنون که انقلاب به پیروزی رسیده است و می رود تا امپریالیسم جهان خوار دست استعمارگران را از روستائیان و کارگران و کشاورزان کوتاه کند ، ما اهالی روستای لیماکش از توابع رامسر خواسته های خود را به شرح زیر اعلام می داریم و خواهان اجرای آن هستیم :
- ۱- محول کردن انجام امور روستا ئیان به کمیته یا شورای روستائی .
- ۲- لوله کشی بدهی ها و وامهای روستائیان به بانک کشاورزی و روستائی .
- ۳- پرداخت وام بدون بهره به کشاورزان به اقساط طویل المدت .
- ۴- حمایت از چایکاران و برتقال - کاروان و جلوگیری از نابودی محصول چای و برتقال و افزایش بهای برگ سبز چای .
- ۵- ایجاد حمام و بهداشت و تامین بهداشت در روستاها بصورت رایگان .

دولت حامی اربابان است . . .

اینجا دولت ناگهان صرشیه سرمی آید و سرعت هیبتی برای رسیدگی به وضع آنها به کند می فرستد تا با آنها مذاکره کند . این امر بدون کوچکترین مشاوره ای با دهقانان صورت می گیرد . از طرف دیگر اعلامیه پشت اعلامیه صادر می کند که دولت به مالکیت زمین احترام می گذارد و زمینداران بدون نگرانی می توانند از زمین های خود استفاده کنند (یعنی به استعماردهقانان ادامه دهند) و وزیر کشاورزی در تلویزیون ظاهر می شود تا با گوسوسد زمینداران غارتگر مثل پدر دهقانان هستند و روستائیان باید مثل پدر به آنها احترام بگذارند . به این ترتیب دست ارتجاع بازمی ماند تا با استفاده از فرصت به توطئه و تجاوز به حقوق دهقانان ادامه دهد .

می بینیم آنجا که خواسته های برحق دهقانان و زحمتکشان مطرح است دولت صراحتاً می گوید : " ما می خواهیم شما را با انقلاب به حقوق زحمتکشان تجاوز می کند دولت خود دست به صیر انقلابی می زند ولی وقتی دهقانان دست به اقدامات انقلابی می زنند و بای منافع زمینداران و سرمایه داران پیش می آید ، دولت صبرش تمام می شود و هر چه سریعتر به در زمینداران می رسد و حمایت خود را از آنها اعلام می کند .

حال مای پرسیم این دولت حامی دهقانان و خواهان ادامه انقلاب است یا حامی زمینداران و سرمایه داران و خواهان توقف انقلاب ؟ البته بسته به اینکه چه کسی به این سؤال جواب دهد ، دهقان یا زمیندار ، پاسخها کاملاً متفاوت خواهد بود . از نظر دهقانان ، دولت حامی اربابان است .

شهرداری ارومیه به این وحشگری ها اعتراض کرده اند و خواسته های عاجل خود را در پینج ماده در مقابل دولت گذاشته اند :

- ۱- برگرداندن دهقانان به روستای خود .
- ۲- برگرداندن زمینهای دهقانان .
- ۳- کوتاه کردن دست اربابان از جان و مال و زندگی دهقانان .
- ۴- اخراج فئودالهای غارتگر از کمیته انقلاب ارومیه .
- ۵- مسلح کردن دهقانان در برابر فئودالهای منجاور .

در مقابل خواسته های برحق روستائیان دولت همچنان سکوت کرده است و صیر انقلابی ! خود ادامه می دهد

کشاورزان روستای قاسلو نیز در فطنامه خود تاکید می کنند . " اکنون که ارتجاع سعی دارد انقلاب خونین خلقهای ایران را با انحراف و شکست بکشد و ضد انقلاب در روستاهای کشور ما بصورت اربابانی که زمینهای روستائیان را گرفته ، به جان و مال آنها تجاوز کرده و آنها را آواره کوهها و شهرهای کند ، ضرورت ایجاد شوراهای دهقانی بیش از پیش احساس می شود ."

این نتیجه ای است که بسیاری از روستائیان ما به آن رسیده اند و در جهت اجرای آن عمل می کنند

در ترکمن صحرا دهقانان تشکیل شورای روستائی می دهند و زمینهای غصب شده توسط زمینخواران و سرمایه داران را از می ستانند . زمینداران و عوامل شناخته شده آنها دست به تحصن می زنند و به این امر اعتراض می کنند و در

در ارومیه خان های غارتگر استعاده از صیر انقلابی دهقانان و فرصت لازم برای اقدام انقلابی دولت ، دست به غصب زمینهای روستائیان و غارت و جباول اموال آنها زدند و تاوسل به زور نکتحه و اسلحه روستائیان را اواردار کردند محل زندگی خود را ترک کنند و آواره شهرها و دهات دیگر شوند . هر خانی در منطقه تحت عوذش قادر مطلق شده و تحت عواوین مختلف از طریق جرمه خواستن بهره پانزده ساله غیره روستائیان را تحت شدیدترین فشارها فرار داده است .

عده زیادی از روستائیان آواره اکنون در شهرک " زبو " در اردوگاه آوارگان مسکن گزیده اند و وضع اسفباری دارند و از لحاظ غذا ، لباس ، دارو ، مسکن و آب آشامیدنی در محرومیت شدیدی بسر می برند .

آیا چنین صری به نفع انقلاب است و از آن زحمتکشان سود می برد ؟ این را باید از دهقانان آواره روستاهای ارومیه پرسید . جالب اینجاست که در مقابل این وحشگری خانها ، دولت هم به توصیه خود عمل کرده و صیر انقلابی ! پیشه کرده است . دولت نظاره گر غارتگری ها و تجاوزات خانها و زمینداران بزرگ به روستاها شده است . می بینیم مبهتشی که دولت از آن صحبت می کند به سود انقلاب بلکه در خدمت ضد انقلاب است . دهقانان روستاهای ارومیه این رانخرسه کرده اند و دریافتند که برای حفظ دست آوردهای انقلاب راهی به جز اقدام انقلابی خود دهقانان نیست . دهقانان روستاهای " نوی " و " هاشم آباد " هم چنین اقداماتی را شروع کرده اند . دهقانان آواره ناراهیمائی در روز یازدهم فروردین و تحصن در ساختمان

دهقانان چه میخواهند؟ نامه سرگشاده روستائیان بابل

- ۱- مهمترین خواسته های روستائیان بیشتر گوراب زرمیخ به قرار زیر است :
- ۱- لوله کشی بدهی های کشاورزان به بانک تعاونی و بانک کشاورزی و باقیمانده قروض به مالکین .
- ۲- پرداخت وام بدون بهره و طویل المدت به دهقانان .
- ۳- در اختیار گذاشتن کود و سم رایگان به کشاورزان .
- ۴- ایجاد امکانات رفاهی از قبیل تامین آب لوله کشی و برق و تعمیر حمام روستا و احداث جاده و سد برای جلوگیری از طغیان آب رودخانه .
- ۵- تامین بهداشت و درمان و آموزش رایگان .

اهالی روستای بیشتر گوراب زرمیخ از توابع سومعه سرا و یاوران از توابع فومن طی نامه ای در تاریخ ۱۸ و ۱۹ فروردین به دولت موقت ، به زندگی پر از رنج و محرومیت خود اشاره می کنند . آنان تاکنون محبوس بوده اند برای بدست آوردن حداقل معاش روزانه تمام توان و نیروی خود را شبانه روز در سر مزارع بکارگیرند . دهقانان ادامه می دهند : " برای اینکه مطمئن باشیم در جامعه انقلاب شده و خون شهیدان ماکه شعارهای رهایی زحمتکشان را می دادند به هدر نرفته و وضع زندگیمان دگرگون خواهد شد ، خواسته های برحقمان را که سالهای متمادی از آن محروم بوده ایم اعلام می داریم " .

حسین آباد کرمان - دهقانان قره حسین آباد از توابع کرمان طی اعلامیه ای مسائل و خواسته های خود را مطرح کردند . مشکل عمده این روستای آبی است . در حدود ۱۰ سال پیش سازمان آب قنات این قره راه شهرستان کرمان لوله کشی کرد و کشاورزان دیگر نتوانستند به کار کشاورزی بپردازند و آواره شهرها شدند اکنون که مبارزه انقلابی خلقهای ستمدیده کشور امکان رزاعت مجدد را برایشان فراهم کرده آنها خواسته های خود را به شرح زیر اعلام داشته اند :

- ۱- نصب تلمبه چاه عمیق .
- ۲- زمینهای غصب شده توسط خان ها در اختیار کشاورزان قرار گیرد .
- ۳- پرداخت وامهای طویل المدت به کشاورزان .
- ۴- دریافت قیمت زمینهای غصب شده مزرعه سمرغ و گذاشتن آن در اختیار شورای زارعین .
- ۵- انحلال شورای محل و رسیدگی به امور توسط شورای زارعین .

هرگونه وسایل بهداشت ، برق ، آب ، مدرسه راهنمایی می باشد و تنها راه ماشین رو آن عملاً فقط مدت چهار ماه از سال (تابستان) قابل استفاده است که آنهم جهت استفاده مکتفین معادن احداث شده و در حقیقت یک جاده نیمه طبیعی و خطرناک است که تاکنون در عرض دو سال بیش از چهار قربانی و دهها زخمی داده است

این عده در آخر خواسته های برحق خود را اعلام کردند که مهمترین آنها را این فرار است :

- ۱- ترتیبی اتخاذ شود تا دستهای غاصبین و جیپا و لگران مهاجر سنگری که هم اکنون نیز در صدد ادامه زورگویی و تجاوز هستند از سر مراتع و مزارع ماکوتانه شود .
- ۲- دادن وام بدون بهره و بلند مدت به جویانان و کشاورزان برای توسعه و بهبود دامداری و کشاورزی .
- ۳- خواسته های رفاهی از جمله تامین برق و آب لوله کشی ، احداث یا بهبود جاده ، تاسیس درمانگاه ، مدرسه راهنمایی و موسسه دامپزشکی و ایجاد شرکت تعاونی روستائی

کشاورزان و جویانان و کارگران قریه شل سرکوه و روستاهای اطراف واقع در بخش بندپی بابل طی نامه ای به دولت موقت که تعداد زیادی از اهالی آنرا امضاء کردند شرح خواسته ها و حقوق غصب شده شان می پردازند :

" حق ما از طرف دارو دسته سنگری هژبر یزدانی و در راس آنها محمد آقا صمدیان غصب و مخدوش گردیده . نامبر دگان که از اهالی سنگری می باشند همه ساله مزارع و مراتع ما را مورد هجوم دامهای خود که چراگاه اصلی آنها صدها کیلومتر با محل ما فاصله دارد قرار می دهند . اغلب مزارع آباد شده به وسیله دسبهای پینه بسته مابوز و وحیل و فریب آنها که از سوی عمال رژیم طاغوتی گذشته حمایت و معاضدت شدند غصب شده است و در نتیجه زحمتکشان شریف محل آواره زاغه های اطراف تهران شده اند . از سوی دیگر رژیم طاغوتی بعلت ماهیت ضد مردمی و غارتگرانه خود هیچ گونه اقدامی در جهت آبادی و بهداشت و آسایش مردم محل مانکرده است . باوریکه قریه ما و دهات اطراف آن با جمعیتی نزدیک به ده هزار نفر فاقد

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

درباره حزب طبقه کارگر

(۲)

می رسند ، ارتباطشان با سایر نقاط و بقیه برده ها قطع می شود و توسط نیروهای نظامی برده داران سرکوب و تارو-مار می سدد .

مبارزات دهقانان (رعیت ها) و جنگهای دهقانی گرچه نسبت به تورش های برده ها در مرحله بالایی قرار داشت ولی باز هم دهقانان نتوانستند تشکیلات سیاسی خود را به وجود بیاورند . اقدامات انقلابی و همزمان بوده های دهقانی ، محرکه ایجاد سازمانهای شورشی مختلف شده محدود به مناطق طفیان بود و تشکیلات سیاسی-سازمانی نیاورد . این سازمانهای شورشی فقط جنبه نظامی داشت و به یک منطقه خاص و زمان خاص محدود می شد .

پراکندگی سازمان هادر سرزمین-های وسیع ، عدم ارتباط بین آنها فقدان تئوری انقلابی بعلت سطح پایین تکامل تکنیک و علم و فرهنگ جامعه این امکان را به دهقانان (و بطریق اولی به برده ها) ، نمیداد که اولاً - هدفهای خود را بطور روشن تشخیص دهند و ثانیاً متشکل شوند و تشکیلات سیاسی بوجود آورند و ثالثاً تمام افراد یک طبقه در سراسر یک مملکت متحد شوند . آنان در لحظه های بحرانی که زندگی شان دیگر غیر قابل تحمل می شد ، دست به تورش می زدند که معمولاً این تورش ها در یک منطقه محدود می ماند و به سایر نقاط سرایت نمی کرد و از رهبری آگاهانه و تشکیلات محکم بی بهره بود . در نتیجه تنها و منفرد می ماند و سرکوب می شد .

رشد سرمایه داری و به وجود آمدن طبقه کارگر ، تغییرات اساسی به همراه داشت . از یک طرف با پیشرفت علم و تکنیک و فرهنگ ، زمینه دین و تئوری انقلابی مهیا شد . از طرف دیگر با ایجاد کارخانه ها تعداد زیادی از کارگران در زیر یک سقف جمع شدند . با گسترش راهها و توسعه تجارت و مبادله ، مناطق مختلف به هم متصل شدند و ارتباط سراسری کارگران ممکن شد . بدین ترتیب کارگران به برکت تجمع خود در کارخانه ها و ارتباط سراسری شان توانستند متشکل شوند و با نفوذ تئوری انقلابی در میان کارگران ، جنبش آگاهانه کارگری بوجود آمد . کارگران توانستند خواسته ها و هدفهای خود را مشخص دهند و تشکیلات سیاسی مستقل و خاص خود را ایجاد کنند . در یک کلام صف مستقل و متشکل خود را تشکیل دهند . پس رهبر کنش-آموزگار کارگران جهان درباره تکامل تاریخی تشکیلات سیاسی طبقات مختلف استعمار شده می گوید "تنها در نظام سرمایه داری بود که در سده فرهنگ شهری ، طبقه پرولناریای محروم توانست خود آگاهی پیدا کند و جنبش جهانی طبقه کارگر را به وجود آورد . میلیونها

بایوزش از کلیه خوانندگان ، بخاطر اشتباه جایی ای که در مقاله "درباره حزب طبقه کارگر بخش دوم" شماره قبل به وجود آمده و مقاله را کاملاً نامفهوم ساخته بود ، برای استفاده ی بهتر خوانندگان یک بار دیگر به چاپ کامل آن در این شماره مبادرت می نمائیم .

در شماره قبل چگونگی استثمار کارگران توسط سرمایه داران و ناگزیر بودن مبارزه بین این دو طبقه استعمار شونده و استثمار گر را توضیح دادیم و نشان دادیم که طبقه کارگر نمی تواند تغییر اساسی در زندگی خود به وجود بیاورد و نمی تواند خود را از شر تمام بدبختی ها نجات دهد ، مگر آنکه سرمنشا تمام بدبختی ها یعنی مناسبات سرمایه داری را تغییر دهد . مالکیت خصوصی بر وسائل تولید را لغو کند و مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید یعنی مالکیت تمام زحمتکشان بر وسائل تولید را جایگزین مالکیت خصوصی بر وسائل تولید کند . و بازم نشان دادیم که برای انجام چنین امر مهمی کارگران محبورند ، تشکیلات سیاسی مستقل خود یعنی حزب طبقه کارگر را بوجود بیاورند . در این شماره می خواهیم درباره خصو-صیات حزب طبقه کارگر بیشتر صحبت کنیم و توضیح بدهیم که چرا بوجود آمدن تشکیلات مستقل سیاسی پرولناریا (حزب طبقه کارگر) ، نقطه عطفی بنیادی در تاریخ جهان است .

از زمانیکه طبقات (یعنی استثمار گر و استثمار شونده) بوجود آمد ، مبارزه بین استثمار شونده ها و استثمار کنندگان هم آغاز شد . در طول تاریخ همواره استثمار شونده ها علیه استثمار کنندگان مبارزه کرده اند . ولی این مبارزات تا قبل از پیدایش طبقه کارگر نتوانستند متکشان را از استثمار برهانند .

مادر تاریخ یاد داریم که چگونه برده ها تورش کردند و باعث بروز جنگهای داخلی شدند . ولی آنها نتوانستند تشکیلات سیاسی به وجود آورند که مبارزه آنها را رهبری کند و قادر نبودند که هدفهای خود را به روشنی تشخیص دهند و بنابراین حتی در انقلاب بی ترس لحظات هم ، همواره آلمت دست طبقات استثمارگر بودند . بزرگترین قیام برده ها که در کشور روم و به رهبری شخصی به نام اسپارتاکوس به وقوع پیوست ، فقط توانست یک سازمان نظامی ایجاد کند که این سازمان نظامی هم بعد از آنکه سرکوب شد ، از هم پاشید برده ها اگر هم در نقاطی به پیروزی

کالا چیست؟

خود محور است تولیدات خویش را به بازار عرضه کند و احتیاجاتش را از بازار تهیه کند . به این ترتیب مبادله و خرید و فروش کالاها شکل می گیرد . هر تولید کننده ای برای فرد یا افراد بخصوصی تولید نمی کند بلکه برای بازار ، برای کسی که اصلاً او را نمی شناسد کالا تولید می کند .

برای اینکه اقتصاد طبیعی معنی اقتصادی که در آن محصول برای فروش تولید نمی شود ، به اقتصاد کالائی که در آن محصول برای فروش در بازار تولید می شود (کالا) تحول پیدا کند ، علاوه بر تقسیم اجتماعی کار ، مالکیت خصوصی ابزار تولید نیز می باشد و وجود داشته باشد . به عبارت دیگر تقسیم اجتماعی کار ، تنها یکی از شرایط برای تولید کالائی است .

شرط دیگر که بسیار مهم تر است وجود مالکیت گوناگون برای وسائل تولید (وسایل کار ، ماشین ، ساختمان ، زمین و غیره) در جامعه است . مثلاً زامبیکه صنعتگر مالک شخصی ابزار کار خود می بود شروع به فروش محصول کار خود می کند . همچنین شخصی را در نظر بگیرد که چیزی ساخته است و میخواهد آن را به دیگری بفروشد . در صورتی او مالک این محصول است که با وسایل تولیدی که متعلق به خودش بوده آن را تولید کرده باشد .

صاحب یک کارخانه بزرگ که مثلاً هزار بخاری در هفته تولید می کند ، چون مالک وسائل تولید است محصول سه او تعلق می گیرد و لذا می تواند آن را به بازار عرضه کند و به فروش برساند .

به این ترتیب اساس تولید کالائی ، تقسیم اجتماعی کار و وجود مالکین متعدد و مختلف وسایل تولید در جامعه است .

در گذشته که موسسات سرمایه داری بزرگ وجود نداشت ، تولید کالا بوسیله تولید کنندگان کوچک صورت می گرفت . آنها کارگر خود بودند و کارگری در استخدام نداشتند ، همچنان خودشان مالک وسایل ساده و ارزان قیمت کار بودند . این اقتصاد تولید کنندگان کوچک کالا که محصول کار خود را مبادله می کردند بعنوان تولید ساده کالائی نامیده می شود .

تولید کالائی ساده در یک حصصه مهم با تولید کالائی سرمایه داری مشترک است و آنهم اینکه هر دو بر مالکیت خصوصی ابزار تولید متکی است . اما تفاوت بسیار مهم این دو این است که سرمایه داری بر اساس کار کارگران مزدبگیری قرار دارد که مالک هیچ ابزار تولیدی نیستند و بعنوان حقوق بگیر برای سرمایه دار کار می کنند و تحت استثمار او قرار می گیرند .

از طریق ورشکسته کردن و از بین بردن تولید کنندگان کوچک کالا و تبدیل سازی از آنها بکارگران مزدبگیر است که سرمایه داری تکامل می یابد . تولید کالائی ساده بطور احتیاج نادرست ظهور تولید کالائی سرمایه داری می شود یعنی تولیدی که برای فروش در بازار انجام می شود ، مالکیت ابزار و وسایل تولید در اختیار شخصی سرمایه دار است و کارگران صورت مزدبگیر برای او کار می کنند .

یک محصول تازه ای که برای برطرف کردن نیازهای شخصی تولید می شود "کالا" خوانده نمی شود . اگر یک دهقان گندم بکارد محصولش را درو کند ، غله را آرد کند و برای خودش نان بپزد ، این نان کالا نیست . اگر یک خانواده روستایی ، پارچه بافد و آن را برای خود لباس بدوزد ، این لباس هنوز کالا نیست ، ولی اگر آن نان و یا این لباس فروخته شود و به قصد فروش تهیه شود و بی بازار فروش آورده شود "کالا" نام خواهد داشت .

بسیار کالا عبارتست از محصولی که پیش از همه چیز یک نیاز انسان را برطرف کند و برای فروش در بازار تولید شود و هر کسی آنرا بخرد به او تعلق خواهد داشت . در تولید سرما به داری تمام محصولات برای بازار تهیه می شوند و در بازار به فروش می رسند . در واقع محصولی که برای فروش مبادله ساخته شده باشد "کالا" نامیده می شود .

در جوامع سرمایه داری در هر کارگاه یا کارخانه معمولاً فقط یک محصول معین تولید می شود و به سادگی معلوم است که این محصول برای احتیاج خصوصی تولید نمی شود ، مثلاً یک کارخانه کفش سازی را در نظر بگیریم . تمام کفش های تولید شده این کارخانه برای استفاده شخصی صاحب آن نیست ، بلکه برای عرضه به بازار و فروش است . در جامعه سرمایه داری هر یک از آن که تولید می شود برای فروش در بازار است . روی این اصل این نوع تولید را "تولید کالائی" می گویند .

برای پیدایش تولید کالائی شرایطی لازم است . اگر قرار باشد که همه مردم خود تولید مایحتاج خود بپردازند و تمام احتیاجاتشان را خودشان تأمین کنند ، دیگر احتیاج به چیزی نخواهند داشت که از بازار خریداری شود و در نتیجه مبادله و خرید و فروش لزوم پیدائی کند . از اینجا به این مطلب می رسم که مهمترین شرطی که برای پیدایش دوام تولید کالائی لازم است "تقسیم اجتماعی کار" است . منظور از تقسیم اجتماعی کار اینست که افراد گروههای مختلف جامعه جداگانه هر یک به ساحتی یک یا چند فرآورده خاص (متفاوت با دیگران) بپردازند . مثلاً گروهی به ساختن کفش ، گروه دیگر به ساختن کلاه و گروه سوم به بافتن پارچه و غیره بپردازند . موقه که به این ترتیب تقسیم کار انجام گرفت ، هر گروهی برای رفع نیازهای

بفر کارگر در احزاب سیاسی متشکل شدند سعی در احزاب سوسیالیستی کسه هشارانه ، مبارزه نوده هار رهبری می کند . "گرچه بورژوازی معط برای کس بود سرروا سمار ستنس کارگران بود که به نرمی علم و تکنیک واحاد کارخانه ها و کسیر راهها و غیره اهمیت می داد ، ولی همین امر موجب گسترش طبقه کارگر و رشد زمینه های سرنگونی بورژوازی شد . عبارت دیگر بورژوازی گورکن خود راه دست خود به وجود آورد .

پیروزی های عظیمی که مردم زحمتکش در عصر حاضر به دست آوردند اندر دوره است که طبقه کارگر نیرو-های خود را تقویت کرده ، از وجود خود بعنوان یک طبقه آگاهی پیدا کرده و تشکیلات سیاسی خود را ایجاد کرده است . تشکیلات سیاسی ای که توانائی و کفایت آنرا دارد که در مبارزات توده های رهبری آگاهانه ای بعهده بگیرد .

تنها به وجود آمدن تشکیلات سیاسی طبقه کارگر و ادامه مبارزه آن زیر پرچم اندوئولوژی (این طبقه) بود که طبقه کارگر بصورت یک نیروی مستقل سیاسی درآمد که قادر بود از طریق مبارزاتش در بینش نوده ها و تئوریکس روابط اجتماعی را بطور اساسی دگرگون کند و استثمار انسان از انسان را نابود کند . با تدوین تئوری انقلابی و تشکیل حزب طبقه کارگر مبارزات رهائی بخش توده های زحمتکش دستخوش تغییر سنادی شد . پرولناریا گروههای مختلف نوده های زحمتکش و روشنفکران پیرو را بطرف خود کشد . طبقه کارگر و دهقان در جریان مبارزه متحد شدند . شرایطی احاد شده مبارزه همه ستمدیدگان رهبری طبقه کارگر و حزب ساسی آن می توانست پیش برود و موفق به محو و نابودی استثمار و ستم شود . شرایط تاریخی ای آمار شده حشس ستمدیدگان به رهبری طبقه کارگر و حزب ساسی آن می توانست دگر دناله روطبقات استثمار گر باشد . مارکس در این باره می گوید : "جنبش هائی که ناکنون وجود داشته با جنبش قلبیتها بوده با سوداقلیت ها انجام گرفته است . جنبش "آگاه" پرولناریا ، جنبش مستقل اکثریتی عظیم است که بسود اکثریت انجام می پذیرد"

خصوصیات حزب طبقه کارگر همان خصوصیات انقلابی طبقه کارگر است . هدف نهائی این حزب ، نابودی استثمار انسان از انسان است . چرا که طبقه کارگر نمی تواند خود را از بند استثمار برهاند مگر اینکه استثمار را بطور کلی محو و نابود سازد . در آینده درباره خصو-صیات حزب طبقه کارگر بیشتر سخن خواهیم گفت .

بایوزش از همه خوانندگان ، در مقاله "برسمیت شناختن حقوق خلقهای ایران" غلطیهای چاپی زیادی دیده می شود . از جمله بجای کلمه "قومی" ، "بومی" و به جای "فقدان" ، "بعضوان" و بجای "گوش" ، "پوش" چاپ شده است . ضمناً در همین مقاله آنجائی که به ستم مذهبی خلقهای ایران اشاره شده به اشتباه خلق عرب مشمول این ستم قلمداد شده است . توضیح اینکه مذهب اکثریت خلق عرب ایران شیعه است و اقلیت کوچکی سنی هستند .

در صفحه ۸ سطر ۸ مطلب "به آتش کشیدن کتبیهای علمی" آمده بود "اسلام علمی و اسلام صفوی" که در حقیقت شیعه علمی و شیعه صفوی درست است .

اعتراض کشاورزان قیام آباد آمل

خواهیم کرد و تا آخرین نفس اجازه نخواهیم داد که مثل گذشته سرکوبمان کنند. شامشهریان قضاوت کنید، مگر ماحق حیات نداریم؟ چرا این مالکین حق حیات را از ما گرفته اند؟ چرا خزانه های برنج ما را نابود کردند؟ چرا کمیته شورای انقلاب و فرماندار حاضر به کمک ما نیستند؟ ما شما همشهریان را به این قضاوت وجدان دعوت می کنیم.

در ضمن صورت جلسه ای از طرف ماورین پاسگاه و پاسداران انقلاب با حضور کشاورزان بشرح زیر تنظیم شد. " مفاد صورت جلسه

در روز ۲۹/۱/۵۸ به من محمدرضا سیدی کفایش ماور اجرائیات پاسگاه مرکزی ماوریت داده می شود که از زمین دهقانان شاکي، اسعیل خاکپور وعین - اله رحیمی بازدید نمایم، من به همراه دوتن از پاسداران کمیته به روستای قیام آباد (شاه محله سابق) رفتیم و مشاهده نمودیم که خزانه شالیهای مربوط به مساحت یک هزار متر مربع که یک خروار تخم شالی در آن سبز گردیده بود توسط دار و دسته مالکین لگد کوب و نابود گردیده اند و به هیچ وجه قابل استفاده نمی باشند. لازم به توضیح است که خزانه فوق برای نشاء سه هکتار زمین در نظر گرفته شده بود.

محمد رضا سیدی کفایش ماور
پاسگاه مرکزی
سیف اله کاردان و قاسم حاتمی
پاسداران انقلاب
شاهدین: اهالی قریه قیام آباد."

" نتیجه حاصل از این اجتماع این شد که هم فرماندار وقت آقای یزدانی وهم هیئت شورای پنج نفره انقلاب جواب مثبتی به ما ندادند، ما را به دادگستری و از آنجابه کمیته کشاورزی و سپس حوا ب منفی دادند و حتی به متشاکمان ما که مفاز و منزلشان در آمل هست اخطار نکردند که از جان زنان و کودکان ما چه می خواهند.

ما کشاورزان ما یوسانه و نامیید برگشتیم و امیدمان به حمایت همشهریان است. ما کشاورزان به روستا برگشتیم برای اینکه کمیته انقلاب به درد ما نمی رسد و خود باید درد خود را دروا کنیم. تمام مالکین و سرمایه دارانی که معرفی کردیم اگر باریگر به زمین های ما بیایند و مزاحم شوند، از خود دفاع

کشاورزان قریه قیام آباد آمل (شاه محله سابق) ، روز پنجشنبه ۳۰ فروردیس ۵۸ بمنظور اعتراض به اعمال حنا یکتا کاراسه مالکین و سرمایه دارانی که موجب نابودی خزانه شالیهایشان شده اند، با همراهی زنان و فرزندان شان روستا را تخلیه کردند و بطرف شهر کوچ کردند و ضمن اجتماع در میدان فرمانداری به دادن شعارهای زیر پرداختند.

"ثابود باد توطنه مالکین و سرمایه داران ضد خلق."
"قشرده تر باد صفوف آزادگان"
"زمین مال کسی است که روی آن کار می کند."
آنان پس از مذاکره با مسئولین امر در روز بعد اعلامیه ای بخش کردند. در قسمتی از اعلامیه آمده است:



صحنه ای از تظاهرات و راهپیمایی روستائیان قیام آباد آمل

هنوع سانسور محکوم است

هیچگونه تبعیض گروهی. ۳- دانشگاه با پول مردم ساخته شده است و با خون خلق قهرمان ایران گشوده شد. درب دانشگاه باید به روی تمام اقشار جامعه باز باشد. ایجاد هنوع فاصله بین مردم و دانشگاه محکوم است. ۴- ما دانشجویان پیشگام اعلام می داریم در محیط دانشگاه هر کسی تا حد توانائی خویش حق فعالیت فردی یا گروهی دارد. ممانعت از این فعالیتها لغو حقوق دمکراتیک و آزادی های فردی و جمعی است.

کرمان - دانشجویان پیشگام دانشگاه کرمان، از روز دوشنبه سوم فروردیس به مدت دو روز در محوطه دانشگاه دست به تحصن زدند و بفظه نظریه های خود را بشرح زیر مطرح کردند:
۱- لغو هرگونه سانسور، تفتیش عقاید، ترور افکار در دانشگاه. ایجاد سانسور از جانب هر شخصیت و عنصری چه از داخل و چه از خارج دانشگاه محکوم است.
۲- ما خواستار ایجاد شورای دانشگاه هستیم. این شورا ترکیبی است از نمایندگان کارگران، استادان و دانشجویان بسدو ن

خواسته های بیکاران

استان و شهر به مذاکره پرداختند ولی از گفتگوها نتیجه مطلوبی حاصل نشد و آنان به تحصن خود ادامه دادند. متحصنین خواهان کار دائمی برای همه بیکاران بودند.

شهرکرد - حدوده ۲ نفر از فارغ التحصیلان سیکل، دبلیه و فوق دبلیه از روز اول اردیبهشت در استانداری شهر کرد دست به تحصن زدند. روز دوم تحصن نمایندگان متحصنین با چندین از مقامات

کار در حد توان دولت شدند. در قطعنامه همچنین آمده است در درجه اول کسانی به کار گمارده شوند که زمان بیشتری در بیکاری به سر برده اند و شرط امتحان ورودی باید از شرایط استخدام حذف شود.

ساری - هفته گذشته حدوده ۴ نفر از دبلیه های بیکار شهرستان ساری ضمن تحصن در مقابل استانداری مار سدران قطعنامه ای صادر کردند و طی آن خواستار اشتغال بکار یا کمک مالی تا زمان شروع ساری - هفته گذشته حدوده ۴ نفر از دبلیه های بیکار شهرستان ساری ضمن تحصن در مقابل استانداری مار سدران قطعنامه ای صادر کردند و طی آن خواستار اشتغال بکار یا کمک مالی تا زمان شروع

راهپیمائی دانش آموزان در سنج

روز سه تنبه ۵۸/۲/۴ در حالیکه چهار روز از آغاز درگیریهای خونین شهرستان نغده می گذشت. دانش آموزان شهرستان سنج به عنوان محکوم کردن عوامل ارتجاع که برای حفظ منافع خود و خدمت به امیرالیزم آتش جنگ را در نغده برافروختند، به راهپیمائی عظیمی دست زدند. این راهپیمائی که نزدیک هفت هزار دانش آموز در آن شرکت داشتند، از طرف شورای دانش آموزان و دانش آموزان پیشگام سنج ترتیب داده شده بود. در پایان راهپیمائی قطعنامه ای خوانده شد که در آن دانش آموزان حمله مسلحانه به اجتماع مردم در شهرستان نغده را شدیداً محکوم کرده و خواستار محازات مسسین اصلی این کشتار خونین شده بودند.

میراث شوم خفقان در مدارس

کجساران - هفته گذشته دستور کمیته امام، یکی از دبیران دبیرستانهای گچ - ساران اخراج شد. بدسال اخراج این علم و بعنوان اعتراض به این عمل رور دوشنبه سوم اردیبهشت ۱۳ تن از دبیران در اداره آموزش و پرورش متحصن شدند. در دومین روز تحصن باز منبه چینی های قلبی گروهی به محل تحصن هجوم بردند و تحت عنوان پاک سازی آموزش و پرورش از افراد هوادار سازمانهای جپ، منحصنین را مورد توهین قرار دادند و اداره آموزش و پرورش خواستار اخراج آنان طرف یک هفته شدند. دبیران متحصن در مقابل این حرکات ضد انسانی و دیگوار ما تابه بطور دسته جمعی استعفا دادند. در پی این وقایع در روز چهارم اردیبهشت ۲۶ نفر از آموزگاران و دبیران بعنوان پشتیبان از همکاران خود استعفا کردند. همچنین عده ای از دانش آموزان مدارس در حمایت از معلمان خود و اعتراض به اعمال ضد آزادی دست به تحصن زدند.

آیا کشتن حامیان زحمتکش بنفع اسلام است؟

ارومیه - دوتن از سپاهیان دانشی در خیابان رضایی (شاهپور سابق) مشغول پخش اعلامیه هائی به طرفداری از دهقانان رانده شده منطقه صومای برادوست، مرگور و ترگور بودند یکی از پاسداران کمیته امام با مشاهده اعلامیه ها به آنها ایست می دهد و شروع به تراندازی هوائی می کند. بعد به کمک چند نفر دیگر آنها را دستگیر می کنند و در همانجا شدت کتک می زنند و سپس به کمیته امام می برند. وقتی این دوتن به تراندازی ماوران اعتراض می کنند، ماور کمیته می گوید:
" هر چه از شما کشته شود به نفع اسلام است "

در بیمارستان باهر

تهران - کارگران، پرستاران و تکنسین های بیمارستان باهر تهران (خیابان شیخ هادی) نسبت به وضع حقوق خود و بی توجهی رئیس بیمارستان معترض هستند. آنها از هفت ماه پیش اضافه کاری دریافت نکرده اند و در برابر خواست آنها مسئولان بیمارستان تهدید به تعطیل می کنند. زحمتکشان بیمارستان باهر از نماینده خود که در رژیم سابق نیز نماینده آنها بوده رضایت ندارند و قرار است نمایندگان جدیدی انتخاب کنند.

حاضر نیستیم مثل گذشته در فقر و فلاکت زندگی کنیم

- ۱- تقسیم مجدد و عادلانه زمین بین روستائیان.
- ۲- لغو تمام بدهیهای روستائیان و برداخت وام بدون بهره.
- ۳- کمک برای حفر چاه و نامیمن تراکتور و سایر وسایل کشاورزی.
- ۴- احداث راه بین مهربان و براغوش و لوله کشی آب و کشیدن برق.
- ۵- ایجاد درمانگاه، مدرسه و فروشگاه تعاونی و کارخانه در روستا.

حق گرفتنی است، نه دادنی

رضائیه - کارگران کارخانه سنگ بری البرز رضائیه که در تاریخ چهاردهم فروردیس دست به اعتصاب زدند و بدنبال آن علیه کارفرما به اداره کار شکایت کردند همچنان به مبارزه خود با کارفرما ادامه می دهند. این کارگران در یک قطعنامه ۱۴ ماده ای خواسته های خود را مطرح کردند. کارفرما در جواب این خواسته ها که عموماً در قانون کار ارتجاعی رژیم سابق نیز درج شده است:

شهادت استاد

هاشم احمدزاده

پرچم سرخ قیام
روبه خورشید بجوشید و درخشید، به کوه لرزه آوردید
بازای باد سحر
بوی خون شهدار ابرسان تابه شمال
بکشان تابه جنوب ...
چرا استاد هاشم احمدزاده ترور شد؟ مسؤل این ترور چه کسانی هستند؟ گناه او این بود که از منافع زحمتکشان دفاع می کرد. از درد و رنج آنها سخن می گفت. گناه او این بود که خواسته های رفقای همزمز و دانشجوی خود را نمایندگی میکرد و این برای ارتجاع زخم خورده و امیرالیزم خونخوار بزرگترین گناه است و تحمل آن غیر ممکن. ارتجاع و امیرالیزم برای ادامه استثمار و سلطه خود بر زحمتکشان باید جلوی هنوع روشنگری را بگیرد.
بقای ارتجاع و امیرالیزم بر ناکاهی مردم استوار است.

اعلام همبستگی کتابفروشان

تهربیز - کتابفروشان تهربیز در اعلامیه ای ضمن محکوم کردن ارتجاع و عواملی که می کوشند اختناق بوجود آورند، همبستگی خود را با نیروهای مترقی اعلام داشتند آنها از خواسته های برحق دانش آموزان و دانشجویان انستیتو بازرگانی تهربیز، دانش آموزان دبیرستانهای منصور و سعدی زنونز و مردود... که در ساختمان آموزش و پرورش تهربیز متحصن شده بودند پشتیبانی کردند. در این اعلامیه هرگونه تفرقه اندازی در صفوف متحد خلش محکوم شده و مجازات عاملین اختناق و فشار و کسانی که آزادی مردم و مراکز فرهنگی و انقلابی را سلب می کنند خواسته شده است.

توطئه گران مرتجع نقده را چگونه بخون کشیدند

میان توده های مردم هرگز اختلاف رنگ ، اختلاف زبان ، اختلاف دین ، اختلاف لباس و ... نماند و اتفاق بر نمی خیزد . دعوی بین مردم همیشه دعوی بین ستمگر و ستمکش ، بهره کثیر و بهره دهنده و حق کش و حق طلب بوده است . ولی چه بسا که ستمگران ، بهره کشان و سلسله جویان ، در یک کلام دشمنان خلق ، با استفاده از ناآگاهی مردم سازات حق طلبانای آنها را به بیراهه کشانده ، گروههای مختلف مردم را در مقابل هم قرار داده و آنها را به برادر کشی وادار کرده اند . دشمنان مردم با این توطئه ها موفق می شوند که مقاصد پلید خود را که همان تسلط بر توده های مردم و تسد اموال است . دعوی شیعه و سنی ، فارس و ترکمن ، ترک و کرد و غیره و غیره به تمامی دسیسه های دشمنان خلق هستند . امروز ما شاهد ریخته شدن خون دهها و بلکه صدها مرد و زن ، پیرو جوان از مردم زحمت کش نقده (چه ترک و چه کرد) هستیم . چه بسیار از این گلگون کفنان که کوچکترین نقشی در درگیریها نداشته اند . اما دشمنان مدام به این جنگ برادر کشی دامن می زنند و ترکها را دشمن کرده و کردها را دشمن ترکها می نمایند ، و مردم ناآگاه تصور می کنند که این ، واقعا یک جنگ بین ترک و کرد است .

در این جنگ ، بروشنی دیدیم که دست دشمنان خلق از چه آستینی بیرون آمد . از آستین کمیته ها . درستند و ترکمن صحرائی چنین بود . دشمنان خلق ، از سازماندگان رژیم پیشین و ساواکیها گرفته تا فئودالهای مرتجع ، کمیته ها را مناسبترین مکان برای نفوذ و اجرای طرحهای خود یافته اند . هرج و مرج و دیدگاههای نادرست حاکم بر کمیته ها هم موقعیت مساعدی برای آنها فراهم کرده است .

ما واقعه اسف بار نقده را تا آنجا که از آن آگاهی پیدا کرده ایم شرح می دهیم تا هم میهنان ، آگاه شوند که از این جنگها چه بدبختیهایی نصیب زحمتکشان کشور ما می گردد ، که این جنگها چه زیانهای را برای مردم میهن ما ، چه ترک و چه کرد ، به بار می آورد ، که از این جنگها هیچ کس بجز دشمنان مردم بهره نمی برند . همچنین به تمام مسئولین ، بخصوص به دولت آقای بازرگان هشدار می دهیم که با سرپوش گذاشتن برواقعیتها ، و با عدم توجه به ریشه های ناسامانی ها و چاره جویی اصولی آنها ، عملا تیشه به ریشه انقلاب زده و نتجتا زمینه را برای تقویت و رشد ضد - انقلاب فراهم می سازد .

گزارشهای زیر بر اساس اخبار پراکنده از طرق متعدد که تا ظهر روز ۲/۵/۵۸ تهیه شده و به دست ما رسیده است . جمعیت نقده حدود ۳۵ هزار نفر است که تقریبا ۶۵٪ آن ترک و ۳۵٪ بقیه کردها هستند . ساکنین کرد بیشتر در روستاها و اطراف شهر متمرکزند .

بعد از سرنگونی رژیم پهلوی و استقرار کمیته های امام در شهر نقده ، به علت وضعیت خاص شهر و کمیته تشکیل شد . کمیته شماره ۱ متعلق به ترکها و کمیته شماره ۲ متعلق به کردها بود . روشن است که

تشکیل چنین کمیته هائی جوابگوی نیاز های مردم شهر نبوده و نیست . مردم شهری که طی سالهای دراز در کنار هم زندگی کرده اند و مسائل و مشکلات مشابهی نیز دارند که باید بطور مشترک حل و فصل شود ، در حالیکه ایجاد دو کمیته و آنهم ترک و کرد جدا از هم جز نفاق افکنی و ایجاد اشکالات بیشتر نتیجه دیگری نمیتواند داشته باشد . وقایع اخیر این شهر بروشنی صحت این مطلب را نشان می دهد .

وقایع از چندی پیش چنین آغاز شد در اوایل فروردین ، در یکی از دبیرستانهای شهر ، چند دختر دانش آموز اعلامیه هائی را به دیوار نصب می کنند که با مخالفت دانش آموزان ترک زبان روبرو می شود . این امر به درگیری بین چند دانش آموز منجر می شود . در این میان کمیته شماره ۱ به جای حل اختلافات با فرستادن ۲۵ مرد مسلح به آن دبیرستان عملا برخورد بدی با دانش آموزان را تشدید می کند .

از طرفی دانش آموزان کرد طی یک راهپیمایی کوتاه اعمال کمیته شماره ۱ و تعدادی از دانش آموزان ترک را محکوم می کنند .

در این میان عناصر و عوامل ارتجاع با نفاق افکنی این اختلافات کوچک را دامن می زنند و جو شهر را با شایعه پراکنی مسموم می کنند .

در تاریخ ۱۹ فروردین بین افسران کمیته شماره ۱ و شماره ۲ برخورد مسلحانه ای پیش آمد که طی آن یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند که خود اختلافات را تشدید و شهر را آماده حوادث بزرگتری کرد .

روز ۳۰ فروردین ، قاسم لوبی برگزاری میتینگ حزب دمکرات در استادان بوم ورزشی این شهر ، از یکی از روحانیون بانفوذ شهر به نام محرر ، کسب اجازه می کند . محرر که در کمیته شماره ۱ نقشی چندانی ندارد ، میتینگ را بلا مانع می بیند . ولی افراد مسلح کمیته شماره ۱ به علت اینکه محرر چند روز قبل در خانه خود با ادیس باز زانی ملاقات کرده بود ، دست به توطئه و شایعه پراکنی می زنند و محرر را متهم می کنند به اینکه ترکها را به کردها فروخته است . از طرف دیگر عضو دبیر کمیته شماره ۱ که یکی از عوامل رژیم سابق و از روحانیون قشری و متعصبی است به کمک عامل خود ، بدالله علی زاده ، در شهر شایع می کنند که در میتینگ روز جمعه ۳۱ فروردین حزب دمکرات حتما درگیری پیش خواهد آمد .

صبح روز جمعه ، با بی توجهی به این شایعات میتینگ برگزار می شود . حزب دمکرات که برای نگهبانی از استاد بوم و حفظ نظم در استاد بوم افراد مسلح گمارده

بود ، از یک طرف ذهن توده ترک از شایعاتی مبنی بر اینکه کردها می خواهند بر شهر مسلط شوند پر شده بود . و از طرف دیگر تجمع ۴۰ تا ۵۰ مرد مسلح جلوی کمیته و خواندن سرودهای مذهبی ، به اغتشاش ذهنی ترکها دامن می زد .

در آغاز میتینگ افراد مسلح کمیته چند تیر هوائی شلیک کردند و افراد مسلح حزب دمکرات با چند شلیک هوائی جواب دادند . مردم از شلیک تیرها وحشت زده قصد فرار می کنند . ولی قاسم لوبی با بلند گو آنها را به آرامش دعوت می کند و اطمینان می دهد که شلیکها هوائی بوده ، شلیکهای هوائی همچنان در چند نوبت تکرار می شود و سرو صدای تیر در سطح شهر می پیچد . در این هنگام از یکی از خانه های مجاور استاد بوم چند تیر به میان جمعیت شلیک و چند نفر زخمی می شوند .

کردهای مسلح فوراً کسانی را که از درون خانه شلیک کرده بودند (یک پدر و پسر) به قتل می رسانند . پس از این ماجرا کمیته امام وارد میدان می شود . کردها که متفرق شده بودند بطرف منطقه حساس

کرک نشین به راه می افتند و در بیابان راه عده ای از ترکها بعنوان گروگان با خودشان می برند . از این لحظه به بعد جنگ تحت عنوان کرد و ترک آغاز می گردد .

کردها در آغاز می کوشند با شعار کرد و ترک برادرند و برادر کشی نباید کرد ، از جنگ پیشگیری کنند . ولی افراد مسلح کمیته شماره ۱ از تیراندازی باز نمی ایستند و همچنان بطرف کردها شلیک می کنند .

روز اول درگیری مردم بطور دسته جمعی به هم کمک می کردند و زخمیها را فوری با آمبولانس به بیمارستان می رسانند ولی روز بعد جنگ حالت دیگری به خود گرفت . کردها و ترکها مسیر جاده ها را سد کرده بودند . از اعزام نیروهای مخالف خود ، جلوگیری می کردند . سراهی مهیاب ، نقده ، ارومیه در دست کردها بود و ترکها در فاصله ۱۵ کیلومتری آنها مستقر شده بودند . در تمام جاده های اطراف نقده ، اتومبیلها با زرسی و بدقت از نفوذ نیروهای کرد پیشگیری می شد .

در روستاها ، هنرپوشی زور بیشتر وعده اش کثیر تر بود ، دیگری از زده بیرون می راند . تمام جاده ها پر از آوارگان کرد و ترک شده بود . در مسیر نقده آواره های ترک رویه دهات دیگری رفتند و در مسیر یک کوره راه بطرف مهیاب ، آواره های کردی که بطرف این شهر فراری کردند ، دیده می شدند . در مسیر جاده پیرانشهر ترکها بطرف شهر حرکت کردند . بطور کلی اطراف شهرستان نقده ، در اختیار نیرو های اعزامی کرد نشین بود . بیمارستان و مخابرات شهر در اختیار افراد کمیته شماره ۱ قرار داشت . در حالیکه کردها تپه شهر را در اختیار گرفته بودند . اطراف بیمارستان

که نیروهای مسلح ترک سنگر بندی کرده بودند ، برخورد های شدیدی روی می داد . مثلا هنگامیکه دو نفر از افراد خانواده زخمی خود را به بیمارستان منتقل کردند ، افراد کمیته به آسایشگاه حمله ور شدند و آن دو نفر را به گروگان گرفتند . سپس خواستند

دکتر برزنجی را نیز دستگیر کنند که با مخالفت شدید دکتر ها و پرستارها روبرو شدند . در این ضمن ، افراد مسلح روستاهای اطراف مسیر نقده به پشتیبانی از کمیته شماره ۱ وارد شهر می شوند و افرادی از یادگانها و مجاهد های ارومیه نیز خود را به نقده می رسانند . برخورد لحظه به لحظه شدیدتر می شود . در این میان دولت هیچ اقدامی نمی کند . آقای استاندار هم که از روز قبل اجبارا در شهر مانده بود ، عملا هیچ کاری نمی کند و از ترس در اداره مخا برات متحصن می شود .

ارتباط با شهرهای دیگر کاملاً قطع می شود (مگر از طرف کمیته شماره ۱ که مخابرات را در دست داشت) از راه بوهیم هیچ بهای می بخش نمی شود . هیچ یک از رهبران مذهبی در آرام کردن مردم نقش فعالی ندارند . توده مردم زحمتکش ناخواسته درگیر آنچنان جنگی شده بودند که هر لحظه شدید تر و خیم تر می شد . در این میان فرصت طلبان ، تفرقه اندازان و عوامل امپریالیسم و ارتجاع داخلی از فرصت استفاده می کنند و با شایعه پراکنی نفاق اندازی و جنگ افروزی اختلافات را دامن می زنند و مردم را بیشتر تحریک می کنند .

بعلت اغتشاش جاده ها هیچ هیئتی نمی توانست برای مذاکره و برقراری آتش بس وارد شهر شود . آیت اله فوزی هم پیشنهاد کرده بود در صورتیکه کردها شهر را ترک کنند آتش بس برقرار می شود . کردها که از نظر غذایی و داروئی شدیداً در مضیقه بودند ، دسته دسته خودشان را از کوره راهی به مهیاب می رسانند .

ساعت ۳/۵ بعد از ظهر روز شنبه تعداد کشته ها و زخمی ها طبق آمار بیمارستان به ۴۹ نفر می رسد . با اینکه از صبح روز شنبه افراد مسلح محرر با بلند گو از مردم می خواهند دست از تیراندازی بردارند ولی افراد مسلح کمیته به علت انتقام جویی ، با آتش بس مخالفت می کنند . دکترهای بیمارستان که دایم در معرض خطر مرگ بودند برای برقراری آتش بس تلاش بسیار کردند . یکی از دکترها به علت اینکه بیمارستان شدیداً تحت فشار کمیته شماره ۱ قرار گرفته بود به محرر شکایت می کند و سپس به آیت اله طالبانی تماس می گیرد و وقایع را بازگو می کند . ولی برای تماس با آیت اله خمینی بعلت اشغال بودن دائم تلفن

تلاش بی ثمر می ماند . شنبه حدود ساعت ۷ بعد از ظهر بین دکتر برزنجی و محرر و کمیته شماره ۲ توافق می شود که نمایندگان دوطرف برای مذاکره روز بعد در منزل برزنجی حضور یابند .

شب شنبه دارو دسته محاهد ملاحسنی به دعوت کمیته شماره ۱ وارد شهر می شوند . با ورود آنها آتش بس برقرار می شود . ولی در ذهن مردم مسلم بود که فردا نه تنها آتش بس می کشند ، بلکه کشتار وحشیانه ای نیز به راه خواهد افتاد . همینطور هم شد . ساعت ۷ صبح یکشنبه آتش بس شکست . در این روز جنگ به شکل حادثی بروز کرد . تعداد کشته ها و زخمیهای بیمارستان به ۲۹ نفر رسید .

کمیته شماره ۱ به بهانه های مختلف آتش جنگ را بیشتر شعله ور می کرد . بطوری که تنها پرستار بیمارستان راه سپاهانیکه کرد است و ممکن است غذاها را مسموم کند دستگیر کرد . این قبیل کارها در گوشه و کنار شهر بسیار به چشم می خورد و وخامت اوضاع می افزایشد .

کمیته شماره ۱ و رئیسش محمودی این همه نفاق اندازی را کافی ندیدند و به شایعات دیگر از قبیل متهم کردن کمونیستها متوسل شدند . تا جائیکه حتی فردی را به نام سعادت که ۶ سال عمر خود را در زندانهای رژیم فاسد شاه گذرانده بود ، بعنوان کمونیست تحت تعقیب قرار دادند و خانواده اش اهانت کردند و سر آخر هم او را که حاضر به جنگ نبود به زور دستگیر کردند . کمیته شماره ۱ به وحشت و ترور چنان دامن زده بود که بعنوان مثال افراد زخمی که به بیمارستان منتقل می شدند با هجوم افراد مسلح کمیته روبرو می شدند و تا شناسنامه ترک بودنشان ثابت نمی شد نمیتوانستند وارد بیمارستان شوند .

از طرف دیگر افراد کمیته شماره یک و عوامل ملاحسنی که خانه های کردها را شناسایی می کردند و افراد خانواده را به قتل می رسانند . حمله به خانواده حبیب پناه یکی از این موارد است که بعلت خوشنامی و محسوسیت بین مردم شهر را ترک نکرده بودند . افراد کمیته ۴ برادر و داماد حبیب پناه را دستگیر کردند و جلسوی در بیمارستان آنها را به گلوله بستند . در این میان حتی یکی از افراد وابسته به کمیته که با این عمل مخالف بود با گلوله کشته شد . فقط یکی از برادرهای حبیب پناه که زخمی شده بود جان سالم بدر برد و به بیمارستان پناهنده شد . رئیس کمیته شماره ۱ و بدالله علیزاده با افراد مسلح برای پس گرفتن زخمی به بیمارستان حمله کردند و با تیراندازی آنها ترس و وحشت بر بیمارستان مستولی و فریاد پرستارها از هر طرف بلند شد . سرانجام دکتر دهبانی یکی دیگر از دکترها با افراد مسلح وارد مذاکره شدند و حاضر نشدند زخمی را بدهند و خواستار خروج افراد مسلح شدند .

کمیته بعلت اینکه زخمی های ترک در بیمارستان زیاد بودند و هنوز خبری از دکترهای تهران نرسیده بود ناچار از تحویل زخمی صرف نظر کردند . ساعت یک ربع به چهار همان روز آتش بس برقرار شد . طی این مدت

اگر به ستمی که به ما میشود اعتراض کنیم، اخلا لگرو خیانتکار هستیم؟

آیا برای گرفتن حق خودمان از کارفرما باید متهم شویم و شکنجه شویم؟

بود خودش را معرفی کند، غیبتش زد. قرار شد که نمایندگان مصدوم با یک مامور کمیته بیرون و صاحب شرکت را پیدا کنند. وقتیکه ما دفتر شرکت مراجعه کردیم شخصی آمد و به ما موری که ما بود گفت: تو دخالت نکن. من خودم به کمیته تلفن می کنم. مامور اعتراض کرد. آن شخص گفت: اگر حرف بزنی و دخالت کنی گزارشت را می دهم و می گویم که تو هم کمونیست هستی. مامور عصبانی شد و گذاشت رفت. ما ماندیم. ناگهان یک مینی بوس پیرا پاسداران مسلح سر رسید. ما را محاصره کردند، دستور دادند بدون یک کلام سؤال و جواب سوار مینی بوس شویم. وقتی ما اعتراض کردیم که برای چه؟ ماکه خلاف نکردیم، گلنگدن زدند. ما سوار شدیم. در بین راه چشم ما را بستند. کمی دورتر دستهای ما را هم بستند. ما را بردند به زندان، حدا جدا زندانی کردند. تاشب چشمهایمان بسته بود. ساعت یک ما را بردند بازجویی بازجو گفت - حکاره ای وجه کرده ای؟ کارگرم، برای گرفتن حق کارگران از کارفرما کتک سیری خورده ام. گفت - بین اینجا هم دستت از تبلیغ بر نمی دارد. چند کلاس درس خوانده ای؟ چند وقت است کار می کنی؟ گفتم - هشت کلاس، از ۱۲ سالگی کار می کنم. - چه کتابهایی خوانده ای؟ بگو. - خاطر نیست. - نام نویسنده هائی که خوانده ای بگو، چند نارنگو. - سارتر، دولت آبادی، دکتر شریعتی. - درباره سندی کا و حقوق کارگران چه چیزها خوانده ای؟ - اخیرا چند اعلامیه در این مورد خوانده ام. - نظرت راجع به کارگران چیست؟ - باید متحد باشند، سندی کا و شوربا داشته باشند تا از حقوق صنفی و سیاسی

این روزها عناصر مرتجع و عوامل امریبا - لیسیم به تکاپو افتاده اند. توطئه می چینند. جنگ امروزی می کنند. به هر سهانه ای متوسل می شوند و با تحریف و افترا در همه جا تخم عاق می پاشند. تا کارگران و زحمتکش را در برابر هم قرار دهند. غافل از اینکه مردم ستم دیده کشور ما، از قیام خونین چنان آبدیده سرون آمده اند که هرگز قرب دروغ پر - دازان را نخواهند خورد.

باید ای داریم از کارگران بیگ شرکت ساختمانی که در گرسه و گرفتاریهای خود را در جریان مبارزاتشان نقل کرده اند و خواسته اند برای آگاهی بیشتر سایر کارگران ایران در نشریه کار منعکس شده و مشخص شود این نیروهای ارتجاعی که دست به همان سوه های تفتش عقائد ساواک می زنند از کجاست می گیرند و نمایند چه کسانی هستند. مادر اینها بخشی از نامه را عینا می آوریم:

"ما کارگران شرکت ساختمانی، قبل از قیام یک شورای کارگری درست کردیم. بعد هم با متحصن و اعتصاب از اخراج کارگران جلوگیری کردیم. بعد از قیام، کمیته کارگری که ما تشکیل داده بودیم کوشش زیادی کرد و دست صاحب شرکت را رو کرد و دزدیهایش را بر مولا کرد. بطوریکه صاحب شرکت و هم دستانش ممنوع الخروج شدند (به اضا دادستان انقلاب).

صاحب شرکت در صدد انقمام برآمد و یک عده اوباش را با ناظوم و جماعت به جان نمایند هال انداخت و آنها را راهی بیمارستان کرد. ما بد کمیته شکایت کردیم. صاحب شرکت را بازداشت کردند و بعد بیعت ضمانت آزاد شد. چند روز بعد که قرار

امروزه به درود بیوار شهر اعلامیه های ضد کمونیستی می جسانند. آنهم به کودکانه ترین شکل که حاکی از بیسوادی کاتب، طراوی بخش کننده است. اگر کسی در عمرش دو کتاب هم خوانده باشد، به چه گانه بودن این اعلامیه هایی می برد. اما این جومسوم که راتر تبلیغات امیریا - لیسنها، آنهم به احمانه ترین شکل پیش آمده باید از بین بیرون. هر آدمی عقیده ما را خواند، فهمید و خواست رد کند می توانیم با او بحث کنیم. اما اگر کسی خواست برای ما به جای نوشتن ما، عکس ما را بکشد و از توده نا آگاه نظر بخواد و هنوز توده جواب نداده جماعتی نکفر را بر سر ما بکوبد زربار نخواهیم رفت. متفکر می کنید کدام یک از این حماقت بدستان و عریده - کشان که به ما حمله می کنند، حتی پنج سطر مطلب راجع به ما خوانده باشند؟ تا

کارگرو نساج: چه کسانی تحریک میکنند؟

ثابت شود که ما مامور است یا نا آگاه، ما کدام اعلامیه ضد مدعی، ضد دینی و ضد خدائی داده ایم؟ به ما می گویند که سازندگی کنید. اصلا خاصیت مرام ما سازندگی است. می خواهیم همه چیز را بر پایه های صحیح بسازیم. اما بسازیم که چه کسی منفعت ببرد؟ آیا کارخانه دارها، سلف خرها، تیولداران زمینداران بزرگ، بانکدارها، حاجی های نزول خوار و نام زالوصفتان دیگر محصول کار ما را خواهند خورد؟ اینها را کنار بگذارید یا حتی نشان بدهید که می خواهید کتار بگذارید، خرطوم مکنده آنها را کنار بزنید آنوقت، هر کدام به اندازه چهار نفر کار خواهیم کرد. اما من حاضر نیستم بخاطر اینکه فلان کارخانه دار وابسته دخترش را به خارج بفرستد و یا فلان زمیندار روزی سه

خود دفاع کنند. حکم کارگر حق سیاسی دارد؟ نکند از کتابهای مارکسیستی خوانده ای؟ برداشت از فلسفه مارکسیستی چیست؟ - برداشتی ندارم. - ای حرامزاده دروغگو (بلند شد و رفت دوناکا غذا آورد). - هر چه به من گفتی کاملا واضح بنویس. خلاصه بعد از بازجویی و رفت و آمد و این حرفها، ما را بردند، با زرسی کردند و به سلول فرستادند. چه بگویم؟ بعد از ۲۴ ساعت دوباره همان کارها تکرار شد. ... بالاخره ما را سوار ماشین کردند، بین راه ماشین چند ساعت خراب شد. مردم جمع شده بودند، ما را نشان می دادند و می گفتند ضد انقلابی هستید، ساواکی هستید، حماقت بدستند. بالاخره ما را بردند یک جای دیگر. چند ساعتی با چشم بسته رویه دیوار نشانند. در اینجا بود که عصبانی شدم سرم را آنجانم به دیوار زدم که متوجه شدم. آمدند و گفتند چه خبر شده؟ مگر دیوانه شده ای؟ گفتم شما نه از مسلمانی نه از انسانیت بوئی نبرده اید. ما کارگر هستیم. مگر چه خلافی کرده ایم؟ با صاحب شرکت، وسایله و مبارزه داریم. چرا کسی گوش به حرف ما نمی دهد؟ یکی گفت: شعار نده، شعار نده. بعد ما را فرستادند میان خیل سمنگران رژیم سابق میان دزد چماق بدست، ساواکی، سرهنگ، سپهبد، جاسوس.

بعد از دوروز هم تعهد دادیم که کاری را که نکرده ایم، دیگر تکرار نکنیم. پیش خود فکر می کردم بالاخره فهمیدند که حق با ما بود و در مورد ما توطئه شده. ولی بعد فهمیدم که زن و بچه ما رفتند وزارت کار متحصن شدند و بخاطر فشار زن و بچه های ما بود که آزاد شدیم.

لول نریاک دود کند و یا فلان حاجی اسمی سه زن عقیدیش را تبدیل به چهار زن عقیدی و چندین صیغه کند، جان بکنم. ما کار خواهیم کرد. تا آنجا که جان داریم کار خواهیم کرد، ولی بشرط آنکه برای خودمان کار کنیم. نمی توان و نباید جلو کسی را گرفت که بکارگرمی گوید متحد باش، سندی کا می فرمایشی درست نکن، سندی کا مال خودت باشد، منافقت را در نظر بگیر، حتی اگر کسی خواست حقت را بخورد اعتصاب کن. حقت را بگیر نگذار بساط قدیم علم شود، نمیتوان چنین شخصی را به بهانه کمونیست و صدم البته بقول سرمایه داران و مرتجعین به بهانه خدانشناسی گرفت و از آگاه شدن کارگران جلوگیری کرد. آیا آگاه کردن کارگران عملی غیراسلامی است؟ آیا متحد کردن کارگران عملی غیراسلامی

بقیه از صفحه ۱

کارگران با اقدام انقلابی...

این کارگران، با این عمل انقلابی، باردیگر نشان دادند که اگر کنترل تولید و توزیع کارخانه بدست کارگران بیافتد و کارگاهها بدست کارگران اداره شود، تا چه اندازه میتواند در پیشبرد کارها موثر باشد. مادر اینجا بیانیته کارگران را که گویای چگونگی مبارزاتشان می باشد عینا نقل می کنیم. این بیانیته در عین سادگی و اختصار، حاوی نکات برجسته و محتسوی ارزنده است. که از روحیه انقلابی و مبارزه جویانه کارگران و میزان کارائی ایمن بر پایه ترین طبقه اجتماعی، خبر می دهد.

- چرخهای کارگاه ما بدون وجود کار فرما بدست کارگران بکار افتاد.
- واقعیه هنگامی آغاز شد که کارفرما همه ما (۵ نفر کارگر) را در تاریخ ۵۸/۱/۱۵ بطور دسته جمعی از کار اخراج کرد. هنگامیکه ما برای آگاهی از دلیل اخراج به شرکت مراجعه کردیم با استقبال مسلسل یوزی عامل کارفرما روبرو شدیم ولی ما نهراسیدیم، مقاومت کردیم و در همانجا متحصن شدیم و حتی کارفرما را در جمع خود نگهداشتیم که البته بعدا وسیله ما سوران مسلح کمیته فراری داده شد. در ضمن تحصن با مراجعه به وزارت کار و دادگستری و همچنین کمیته های امام خواهان رسیدگی به این کار شدیم ولی نتیجه ای حاصل نند و همه جا جواب سریالا شنیدیم. ناچار دست به اعتصاب غذاییم.
- ۲۵ روز تحصن همسراه با ۴ روز اعتصاب غذا. نتیجه... هیچ!
- در حالیکه بازوان پرتوان مابی عمل و بچه های ما گرسنه اند، در حالیکه بحران اقتصادی و تعطیل کارخانه ها میهنمان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است، در حالیکه رهبر انقلاب ضرورت به کار انداختن چرخهای اقتصاد مملکت را بارها متذکر می شوند، در حالیکه چرخهای کارگاه ما در حال زنگ زدن و از کار افتادن بود، چه باید می کردیم؟ برای ما کارگران

چرا باید اسم ما در روزنامه «کار» نوشته شود؟

آنها را شدیدا عصبانی می کند و اداران می کند که عکس العمل هائی همچانی و تندی از خود بروز دهند؟ آیا واقعا کارگران از اس امر ناراحت هستند که یکی شد نشان، تشکیل شان، سر مبارزاتشان و بالاخره دستاوردهای انقلاب - بشان در روزنامه ای منعکس می شود و به اطلاع دیگر هموطنان با لایخص دیگر زحمتکشان می رسد و تجربه آنها به دیگر زحمتکشان کشورشان منتقل می شود؟ بانه، این کارفرمایان هستند که با اطلاع از انعکاس این خیر پشتشان می لرزد، فریادشان به آسمان می رود و دندانهایشان از خشم به هم قفل می شود و برای روزنامه گزارش گران خط و نشان می کشند؟ آیا همین کارگران نبودند که در شرایط خفقان و دیکتاتوری شاهانه با پذیرش هزاران خطر، درگوشی و بیچ - کتان خبر مبارزات و دستاوردهایشان را در گوشه و کنار کارخانه و روی صندلی اتوبوسها به یکدیگر منتقل می کردند

راستی چرا؟! چرا باید اسم کارگران در روزنامه بیاید؟ چرا باید مبارزات حق طلبانه کارگران در روزنامه منعکس شود؟ چرا باید روزنامه ای بخود این اجازه را بدهد که خبر شکل کارگران در یک شورای کارگری را چاپ کند؟ اصولا چرا باید روزنامه های کثیرالانتشار کشور این خبر را چاپ نکنند اما "کار" به خود این اجازه را بدهد که این جریان مبارزاتی را چاپ کند؟ کمی سندی شیم آیا واقع اینها سئوالاتی است که ذهن کارگران را بخود مشغول می کند؟ یا نه؟ سئوالاتی است که ذهن کارفرمایان و سرمایه داران را به خود مشغول می کند و است؟ آیا سندی کا واقعی برای کارگران درست کردن عملی غیراسلامی است؟ اصولا فرق تحریک کردن و روشن کردن را شرح دهید و بگوئید چه عملی روشن کردن و افشاگری است و چه عملی تحریک کردن است؟

چگونه عمال ارتجاع در کمیته آبادان فدائیان خلق را شکنجه کردند

نماینده وزارت کار بجای توجه به حقوق کارگران ...

نماینده وزارت کار - کارگران عزیز تا الان هم شما ضرر داده اید هم سرمایه دار برای اینکه از این ضررها جلوگیری کنیم بنابه گفته امام هر چه زودتر سر کار حاضر شوید . ماهم در عوض حقوق دوماه شما را پرداخت می کنیم .

نماینده کارگران - شما که حقوق عقب افتاده سه ماه ونیم رابه دوماه تقلیل داده اید هیچ فکر کرده اید که این مقدار اصلا جواب قرضهائی را که طی این مدت بیکاری کرده ایم نمی دهد؟ چرا سه ماه سه ماه ونیم بیکار بودیم شما می خواهید حقوق دوماه رابدهید؟

نماینده وزارت کار - شما که کار نکردید که الان حقوق می خواهید .
نماینده کارگران - کار فرما بود که ما رابیرون کردو به میل خودش کارگاه را تعطیل کرد در تانی این خواست رهبر انقلاب بود که ما کار نکنیم .

نماینده وزارت کار - اگر شما این پول را قبول نکنید مجبور هستیید مبلغ تعیین شده در قطعنامه وزارت کار (۷۵۰- تومان برای کارگر مجرد و ۹۰۰ تومان برای کارگر متأهل) را قبول کنید .
نماینده کارگران - در این وضع تورم اقتصادی ما بازن و بچه کرایه خانه و خوراک چطور می توانیم با این پول زندگی کنیم؟ در تانی مبلغ ۱۲۰۰ تومانی که شرکت می خواهد به ما بدهد باز هم جواب گوی خرج ما نیست .

نماینده وزارت کار - می خواستید از همان اول با این حقوق کار نکنید .
کارگر - ما مجبور بودیم این را قبول کنیم . چون کار و پول نداشتیم .
نماینده وزارت کار - تو اصلا

علی محمدی بایک نفر عکاس از پشت دروینجره شروع به عکسبرداری می کنند! همانروز می خواهند از آنها بازجوئی کنند که رفقا ضمن محکوم کردن حمله آنها به ستاد ، بازداشتشان را غیر قانونی اعلام می کنند و میخواهند که عاملین توطئه شناخته شوند و شکنجه گران و طرا - خان توطئه مجازات شوند . دادستان ضمن ملاقات و گفتگوهای ، رفقا را متقاعد می کند که اعتصاب خود را بشکنند ، آنها اعلام می کنند که چنانچه تاصح سوم اردیبهشت موضوع بازداشت ماروشن نشود ، اعلام اعتصاب غذای خشک خواهیم کرد .

آنها طبق همین قرار از صبح روز سوم دست به اعتصاب غذای خشک زدند و تا امروز (سپس از آذر کردن ۱۸ نفر و انتقال باقی به تهران) تنها خبر از وخیم بودن اوضاعشان داریم .

حمله به ستاد فدائیان خلق در آبادان و رفتار وحشیانه و شرم آوری که برخی از ارتجاعیون کمیته با رفقای ما داشته اند ، نمیتواند با سایر فجایعی که در گوشه و کنار کشور رخ می دهد بی ارتباط باشد . مادر عین حال که مجربان چنین توطئه هائی را افراد ناگناه و مرتجع می شناسیم ، مسیبن اهل آبادان و این فجایع را امیرالیزم و ایادی ارتجاعی آن و مرتجعین بنام ، می دانیم .

ما ایمان راسخ داریم که خلق کبیر (ما) باعتبار آگاهی از دسائس شومی که بر علیه او و فرزندانش رزمندگانش در حال تکوین و اجراست (قدرت آنها خواهد داشت که هریرده ای را که در پشتش علیه انقلاب خونین ایران چنین توطئه هائی چیده می شود پاره کند و مشت عمال امیرالیزم و ارتجاعیون وابسته راباز کند .

حدا می کنند و به سلولهای انفرادی انتقال می دهند . از ساعت ۱۲ تا ۱۳ شب چهار نفر دیگر را می برند . ۲ نفر رابعنوان نماینده به جای نامعلومی می فرستند و ۲ نفر دیگر رابه انفرادی می برند . ساعت ۱۲/۵ شب " علی محمدی " با تعداد دیگری از اعضا کمیته می آیند تا باز هم بازداشت شدگان را منفرد کنند . آنها مقاومت می کنند و نمی روند . علی محمدی ضمن فحاشی فریادی کشید من " علی محمدی " هستم مرا بشناسید . (ایمن فریادها و رفتارها برای آنهاست که حسینی ها ، رسولی ها و تهرانی ها را می شناسند تداومی تلخی است) آنها با نثار فحشهایی که هیچکدامش قابل ذکر نیست با سروصورت پوشیده " الله اکبر گویند " با باطوم و چماق و میله آهنی بطرف رفقا یورش می برند و آنها را تا ساعت ۶ بعد از نیمه شب شکنجه می دهند . وقتی که می بینند بازور و شکنجه به جایی نمی رسند ، حاضر به مذاکره می شوند ! بالاخره از ساعت ۳/۵ فردای آن شب دسته دسته رفقا رابه پایگاه نیروی هوائی کلانتری ۳ و خسرو آباد منتقل می کنند و عده ای رادر کمیته نگاه میدارند . از ساعت ۶ بعد از ظهر رفقا اعلام اعتصاب

غذایی کنند . اینبار توسط افرادی که لباس نیروی دریائی به تن داشتند به پایگاه نیروی دریائی خرمشهر برده می شوند و ساعت ۹ صبح فردا آنها رابه کمیته بازمی گردانند که وقتی با اجتماع هواداران در جلوی کمیته روبرو می شوند ، مجدداً آنها رابه پایگاه می فرستند . آنها ساعت ۱/۵ بعد از ظهر از یک درپنهانی (باشگاه ایران) به کمیته برگردانده می شوند و به سلولهای انتقال می یابند که هنوز شعارهای " درود بر فدائیان " از دیوارهایشان پاک نشده بود .

در روز ۳۱ فروردین عده ای جوان ناگناه و تحریک شده به سرپرستی او باش شهر آبادان که عموما به چاقو و دشنه و پنجه بوکس و چماق مجهز بودند به اجتماع دیلمه های بیکار متحصن در شهرداری حمله می کنند و بزور آنها را از محل تحصن بیرون می کنند و به دنبال این عمل ننگی بطرف ستاد فدائیان برآمده می افتند . رفقای داخل ستاد به محض اطلاع از این یورش با کمیته تماس می گیرند (با این تصور که شاید کمیته بی خبر باشد) ولی عملی می برند که کمیته در جریان هست و حتی قبل از حمله ، انومبیل لندرور کمیته کنار ستاد توقف می کند و دو عضو کمیته که با خود کلاشینکف و مسلسل یوزی حمل می کردند به جمعیت می پیوندند ، سنگری می گیرند و به طرف ستاد نشانه روی می کنند . شخص دیگری که خود را مسئول کمیته معرفی کرده بود دست به تحریک جماعت میزند و به رفقا می گوید " این ها از جانشان سیر شده اند و حمله می کنند ، شما باید اینجا راتخلیه کنید " رفقا پیشنهاد می کنند که سه ساله را مذاکره حل کنیم و چنانچه مردم بخواهند محل راتخلیه کنیم ، بدون در گیری و شمشیر صورت بگیرد . اما آنها از قبل تصمیم خود را برای یورش به ستاد و غارت آن گرفته بودند و همین کار را کردند . وسائل جاب ، برونده های موجود ، کتابها و هر چیزی را که در آنجا بود ، باشو و وحشیانه ای به غارت بردند و حتی کانال های کولچر را از داخل دیوار بیرون کشیدند و در همین ضمن عمال کمیته به شکل ریاکارانه مطرح می کنند " ما می خواهیم شما رابه راحتی از اینجا خارج کنیم تا درگیری پیش نیاید . بعد هم وسائل ستاد و سلاحهای سازمانیتان رابه شما برمی گردانیم " بدنبال این قول ، در ساعت ۳ بعد از ظهر ۴۹ نفر از افراد داخل ستاد رابه ساختمان ساواک (کمیته فعلی) می برند . ابتدا ۲ نفر را

بقیه از صفحه ۹

توطئه گران مرتجع ...

آیت الله شیخ عزالدین حسینی در برقراری این آتش بس کوشش بسیار کرد . حتی هیئت نمایندگی که به نرده فرستاده بود در محمد بار دستگیر و با اهانت بسیار رو بر او شدند . چنانچه استاندار به محل نمی رسید افراد این هیئت جان سالم به در نمی بردند .

ساعت ۷ ، بین ارتش و طرفه های درگیره بر سر آتش بس توافق وزمینہ تا حدودی برای توافق های بعدی آماده شد . ساعت ۶/۳۰ ارتش وارد شهر نقرده شد و پس از یک ربع ساعت برای استقرار در دهات اطراف دوباره از شهر خارج شد . فرمانده ارتش با وجود وضع نابسامان شهر عملا هیچ کاری انجام نداد و حتی به بیمارستان که محل پارکینگ نفربرهای ارتش بود سری نزد بدینجهت شکستن دوباره آتش بس ، اینبار در اثر بی مسئولیتی ارتش بود که به جای ایفای نقش ادعائی اش یعنی حفظ جان و مال مردم ، عملا نقش تماشاچی رابازی کرد .

دوباره اساسنامه ...

۳- پرسنل ارتش انقلابی باید دارای حق شرکت در انتخابات مجلس باشند و در فعالیتهای اجتماعی - سیاسی آزاد باشند زیرا بدین وسیله است که آگاهی پرسنل ارتش بالا می رود .

۴- وظیفه ارتش نوین انقلابی دفاع از موجودیت و استقلال میهن است .

۵- در ارتش نوین انقلابی شخصیت و حقوق اجتماعی سربازان همواره باید بر پرسنل ورده های بالا برابر خواهد بود . در ارتش ضد خلقی به حقوق این قشر وسیع اجحاف می شود و این یکی از دلائل تضعیف ایمان و روحیه آنان بود .

تأمین رفاه و آسایش پاسداران و رعایت کامل اصول پاسداری ، لغو بیگاری و تصویب قانون داوطلب بودن نظام وظیفه و دادن حقوق مکفی به سربازان از جمله مسائلی هستند که در ارتش نوین انقلابی مورد اجرا قرار خواهند گرفت .

تعلیمات امریکائی بوجود آمده و جیز و وصیت های شاه فراری بود (که ارتش را از مردم جدا نگه دارد) بر طرف خواهد شد .

۲- ارتش نوین انقلابی بایستی برکنار از هرگونه وابستگی به امیرالیزم باشد و انتخاب فرمانده بصورت آزاد و دمکراتیک انجام گیرد . زیرا روش انتصاب فرمانده بر مبنای نظام دیکتاتوری شاهنشاهی است که حق اظهار نظر را در افراد از بین می برد . انتخاب فرمانده از پائین این حسن را دارد که پرسنل قشرهای پائین بر اساس شناخت صحیحی که از یک نفر دارند و بر مبنای شایستگی و صلاحیت فرماندهی وی را انتخاب می کنند و ولی روش انتصاب فاقد این حسن است و صرفا یک شیوه عمل ارتش دیکتاتوری سابق است . همان اطاعت مطلق و کورکورانه است یعنی شخصی را که از مراکز فرستاده اند بدون هیچگونه شناختی بی چون و چیرا کرد و فاصله بین ارتش و ملت که اکنون بر اثر

در ادامه ماهه ۶ می خوانیم که چنانچه در مسائلی پیش فرمانده یگان و شوروی مربوطه عدم هماهنگی وجود داشته باشد موضوع به شورای مرکزی ستاد نیرو و ارجاع و تصمیم نهائی از ستاد نیرو به یگانها اعلام می شود .

مادر آخر برای روشن کردن خصوصیات ارتش نوین و انقلابی (از نظر پرسنل انقلابی نیروهای مسلح) می باید داشته باشد به قسمتی از بیانییه توضیحی پرسنل انقلابی ارتش اشاره می کنیم .

۱- ارتش نوین انقلابی بایستی در کارهای عمرانی و نوسازی جامعه همراه با سایر افراد اجتماع همکاری و مشارکت داشته باشد . با استفاده از این نیروهای عظیم انسانی ، پیشرفت جامعه تسریع می شود و از آنجا که این نیروها با افراد جامعه همگام هستند ، خلعت ضد مردمی پیدا نکرد و خود را از جامعه جدا حس نخواهند کرد و فاصله بین ارتش و ملت که اکنون بر اثر

توطئه مشترک امریکا - اسرائیل و ارتجاع عرب در جنوب لبنان

در حالیکه خلقهای جهان بخصوص مردم منطقه خاورمیانه تنفر و انزجار خود را نسبت به قرارداد خائنانه مصرواسرائیل با اعتراضات و عکس العمل های شدید ابراز می کردند، ناگهان سرگرد حداد، فرمانده راست گرایان جنوب لبنان، دست به اقدام کودتاگرانه ای زد. او در چهارشنبه ۲۹ فروردین تاسیس دولت "لبنان آزاد" را در جنوب این کشور اعلام کرد. او ضمایم گفته است که تصمیم دارد سایر نقاط لبنان را "آزاد" کند! قوای حداد یکی از متحدین "حبهه لبنان" به رهبری کامیل شمعون رئیس جمهور سابق دست راستی لبنان است. همان جبهه ای که نیروهای بیرجمایل رهبر فالانژیست های لبنان نیز از متحدانش هستند. بنابراین به روشنی معلوم است که اقدام حداد نقشه مشترک نیروهای راست گرای مسلمان و مسیحی در لبنان است.

جمهوری حداد سرزمینی را به مساحت تقریبی ۹۰۰ کیلومتر مربع وسعتی حدود ۱۰۰ هزار نفر شامل می شود. این منطقه سرزمینی است که

نیروهای اسرائیل یکسال پیش هنگامی که از جنوب لبنان عقب نشستند، آنرا در اختیار دست نشانده خود یعنی سرگرد حداد گذاشتند. از آن تاریخ این ناحیه پیوندهای اقتصادی، سیاسی و نظامی وسیعی با اسرائیل داشته است. در اینجا از برکت نوکری حداد پول اسرائیلی مثل پول لبنانی رواج دارد و کالاهای اسرائیلی همه جا فراگرفته است. کلیه تجهیزات جنگی سنگین نظیر توپهای دورزن و تانک های شرم که سرگرد حداد از آن استفاده می کند همه هدایای است که اسرائیل به او داده است. به این ترتیب دیده می شود که "دولت حداد" در واقع بخشی از اسرائیل است که مرزهای اسرائیل را به میزان زیادی در خاک لبنان بجلو آورده است.

بررسی وضع لبنان و آنچه طرف چند سال اخیر در این کشور به وقوع پیوسته نشان می دهد که توطئه مشترک امیرالیسم امریکا، اسرائیل و ارتجاع عرب این کشور را به چند پاره تبدیل کرده است. آنها برای جلوگیری از رشد جنبش ترقی خواهان در لبنان و برای نابود کردن جنبش

تنبیه و شکنجه کارگران در کارخانه

ولی هیچ نتیجه ای نگرفتند. سرانجام عده ای از کارگران تصمیم گرفتند دسته جمعی دست به حرکت اعتراضی بزنند به همین علت نمایندگان واقعی خود را انتخاب کردند و دسته جمعی به وزارت کار رفتند. پس از این حرکت دسته جمعی بود که کارفرما مجبور شد قدری نرمش نشان دهد.

بالاخره تحت فشار کارگران در آخرین مراجعه، دوفرا نمایندگان کارگران را به وزارت کار فراخواندند تا با آنها در مورد اتهاماتی که کارفرما به آنها وارد می کرد مذاکره نمایند. ولی در مقابل دلایل و مدارک واقعی کارخانه که توسط نمایندگان کارگران مطرح شد، هم کارفرما و هم وزارت کار مجبور شدند در مقابل خواسته های آنان تسلیم شوند و قول دادند که خواسته های آنان را که به شرح زیر است، رسیدگی کنند:

- ۱- اخراج سلب مصونیت از مدیر کارخانه.
- ۲- دادن حق مسکن و خواربار، اولاد و سود ویژه.
- ۳- منع شب کاری (بخصوص برای زنان)
- ۴- اخراج باقی مانده کارگران اخراجی
- ۵- منع جریمه های نقدی و تنبیه بدنی که به ازاء دیر آمدن به سرکار دریافت می گردد، رسیدگی به وضع غذا و ناهار - خوری، درست کردن رخت کن.
- ۶- بالا بردن حقوق کارگران بسا توجه به سوابق کار و هزینه زندگی.
- ۷- رسیدگی به وضع بیمه و مالیات و بازنشستی.
- ۸- تاسیس شرکت تعاونی.

کارخانه قرقره زیرین حدود ۱۰۰ نفر کارگر دارد که تقریباً نصف آنها ایرانی و بقیه پاکستانی و افغانی هستند. از کارگران ایرانی عده ای زن هستند. چند نفر از کارگران کمتر از ۱۸ سال دارند و حتی کارگران دختر و پسر ۱۲ الی ۱۳ ساله نیز در بین آنها دیده می شود. مدیریت کارخانه را حاج محمد لاهیجانیان به عهده دارد. شرایط اختناق و فشار در این کارخانه تا بدان حد است که کارگران کم سن و سال را تنبیه بدنی می کنند و شکنجه می دهند.

مثلاً دختری را مجبور کردند که در دفتر مدیریت کارخانه وزیر نظر خود او یک گلدان را بالای سرش نگه داشته و یک پاشویه را بالا نگاه دارد. و با یکی از کارگران پسر را که در حدود ۱۸ سال سن دارد، آنقدر زدند که تا سه روز نتوانست در محل کارش حاضر شود. کارفرما و نماینده کارگران و سرپرست ها هیچکدام حاضر نیستند حقوق کارگران را به رسمیت بشناسند و امکانات رفاهی کارخانه در حدود صفر است.

در اولین برخوردی که کارگران برای گرفتن خواسته هایشان داشتند، کارفرما مستقیماً به آنها جواب داد: نمی دهم، هر کس اعتراض دارد می تواند حقوق خود را بگیرد و برود بیرون. عده ای گفتند ما قبلاً کارگر اینجا بوده ایم و بدون گرفتن سابقه، نمی رویم ولی کارفرما بدون دلیل چهار نفر از آنها را با شدت مورد تنبیه و شکنجه قرار داد.

کارگران پس از برخورد های بی نتیجه خود با کارفرما، تصمیم گرفتند به وزارت کار مراجعه کنند. سه بار به وزارت کار مراجعه کرده و وضع خود را با آنها در میان گذاشتند

جنگ داخلی در نیکاراگوئه

هواپیماهای موشک انداز حمایت می شدند از شهر ماناگوا به مواضع انقلابیون حمله کردند. در جریان جنگهای خونینی که پس از محاصره در گرفت، صدها نفر کشته شدند و بیش از ۱۵۰۰ نفر به دهکده های اطراف پناه بردند. یکی از چریکها گفته است: "در اینجا فقط اجساد کشته شدگان باقی خواهد ماند. ما گشته خواهیم شد ولی تعداد زیادی از افراد گارد ملی رانیز با خود به دیار نیستی خواهیم فرستاد."

در طی چند هفته گذشته انقلابیون یک پادگان کوچک دولتی را در آل زیکا رو تکی منهدم کرده و یک هواپیما (سی ۴۷) را باقی خواهد ماند. ما گشته خواهیم شد ولی تعداد زیادی از افراد گارد ملی رانیز با خود به دیار نیستی خواهیم فرستاد."

در هفته گذشته یک صد چریک ساز از جبهه "ساند نیستا" پیشنهاد متارکه جنگ را رد کردند و در شهر استلی (با جمعیت ۲۵ هزار نفر) در داخل سنگرها و پیشبازاریکادها موضع گرفتند. در جریان جنگهای خونین قیام ساند نیستا در سیمبر گذشته تعداد صد نفر در این شهر شهادت رسیدند.

حوانان مخالف رژیم فاشیستی سوموزا در این شهر سرعت به چریکها پیوستند و سوگند یاد کردند که تا آخرین نغردنکار چریکها خواهند جنگید. ستون با تجهیزات کامل از گارد ملی سوموزا که محبوس شده و توسط

اعتصاب کارگران بارانداز در بندر جنوب فرانسه

از آذرماه سال گذشته یک سری اعتصابات متناوب ولی پیگیر و با برنامه توسط باراندازان بندر جنوب فرانسه جریان دارد.

این اعتصابات توسط کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه سازمان داده شده و هدف آن دست یابی به خواسته های زیر است:

- ۱- پنج هفته مرخصی سالانه با استفاده از حقوق.
- ۲- ایجاد صندوق خدمات اجتماعی با استفاده از عوارض وصول شده از کشتی ها
- ۳- افزایش غرامت پرداختی به کارگران بمناسبت روزهای تعطیل.
- ۴- به حساب آوردن روزهای بیکاری در سنوات خدمت (در خصوص بازنشستگی)
- ۵- افزایش وجه پرداختی به میزان ۲۰ درصد به کارگران در روزهای که علت نبودن کالابرای بارگیری یا تخلیه کارگران بیکارند.

اعتصابات تا پیروزی کارگران ادامه خواهد داشت.

مشاور وزیر اطلاعات و جهانگردی، پروی کارمندان متحصن اسلحه کشید

در تاریخ ۵ فروردین ماه بر اساس گزارش رسیده:

به هنگام تحصن کارمندان وزارت اطلاعات و جهانگردی که به انتصابات نابجا و اخراج گروهی از کارمندان اعتراض داشتند "محمد منتظری" مشاور وزیر بروی کارمندان متحصن اسلحه کشیده است و در مقابل این عمل احفانه حاضران اوراخلع سلاح کرده اند.

اگر چه بدنبال این ماجرای شرم آور، وزیر اطلاعات مجبور شد اعتراض کند که "این حرکت ناشی از جوانی و بی تجربگی محمد منتظری است" ولی در مقابل این توجیه وزیر، کارمندان و "همه مردم" می پرسند، پس چرا محمد منتظری "حوان بی تجربه" مشاور وزیر شده است؟ آیا تخطی الرجال موجود است برای گردانندگان امروزی امور، میتواند توجیه این انتصابات خطرناک باشد؟

ماضی اینکه چنین اعمالی را شدیداً محکوم می کنیم هشدار می دهیم که این انتصابات و وقوع چنین اعمال نسنجیده و خطرناکی، در مقابل مردمی که توانسته اند بوزنه کارآمدترین دیکتاتورها و قدرتمندان را با خاک بمانند، چیزی جز افزونی انزجار عمومی را بدنبال نخواهد داشت.

برگزاری جشن اول ماه مه در شیلی ممنوع شد

دولت شیلی تظاهراتی را که از سوی سندیگای این کشور به مناسبت اول ماه مه قرار است برگزار شود ممنوع اعلام کرده است. بنا به گفته سخنگوی دولت این تظاهرات "یک حرکت سیاسی غیر قابل پذیرش" خواهد بود

این سخنگو افزود: مناسبت اول ماه مه گروههای دست جیبی قصد ایجاد آشوب در کشور، تحریک افکار عمومی و به هم زدن نظم را دارند!

قطع رابطه با مصر یک اقدام انقلابی و ضد امپریالیستی

اقدام نمود و عملیات اقدامات ضد مردمی و ضد فلسطینی خود را افزود و طبعی است که این اقدامات ضد مردمی رژیم مصر نمی توانست از جانب مردم ایران بدون عکس العمل باشد.

مرد مبارزها فریاد زدند: "امریکا، امریکا، دشمن خلق ایران، فلسطین، فلسطین متحد خلق ما".

انور سادات این سنگزن جبری امپریالیسم بدون توجه به خواسته های خلقهای منطقه فلسطین و تمام خلقهای منطقه به عقد قرار از ننگین با اسرائیل

مردم ما علیه رژیم صر تجلی حمایت بی دریغ خلقهای ایران از خلق قهرمان فلسطین می باشد. قطع رابطه با صرا اقدامی انقلابی و برجسته است که مورد حمایت کامل سازمان چریکهای فدائی خلق و همه نیروهای ترقی خواه میهن است.

مرگ برای امپریالیسم امریکا و وابستگانش